

# هموطنان! چون تن واحد بمقابله با تجاوز رژیم مزدور بعثی عراق و توطئه امریکای خیزیم!

## توده ایها آماده دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اند

### پیام کانون دانش آموزان ایران بمناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

دانش آموزان عزیز! مدرسین گرامی! ستارگان محترم آموزش و پرورش! بنام حق دانش آموزان تشبیه بنام حق آموزگاران و دبیران به خون خفته خلق و به نام حق مردان، زنان، جوانان و نوجوانانی که با اینتر خون خود، شالوده ارکان جمهوری اسلامی ما را برپا کرده اند، سال تحصیلی جدید را آغاز کنید.

تاریخ باشد. پدیده های بزرگ تاریخی لسه فداکاریهای توده ایست. انقلاب ایران اکنون به چنین فداکاریهایی نیاز دارد. خلق ما باید برای جانباختن توده ای در راه حفظ استقلال و آزادی و حیثیت انسانی خود آماده باشد. جمهوری نوپای ایران از هر سو در معرض خطر است. در داخل مرتجعترین قشرهای محافظه کار همراه با عوامل خند - انقلاب از یکسو، چپنمایان و سرسپردگان به سرویسهای جاسوسی امپریالیسم از سوی دیگر و در خارج تمام دنیای سرمایه و زر و زور سرکردگی امپریالیسم امریکا با هم بر ضد انقلاب ایران همدستان شده اند. فشار متنگه امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم امریکا بر ما از هر سو افزایش می یابد. تجاوز نظامی هگانی رژیم بعثی عراق به ایران مرحله جدیدی از توطئه براندازی است. رژیم مزدور بعثی عراق در

موظنان! با تجاوز نظامی رژیم مزدور بعثی عراق به ایران، که در چهارچوب توطئه براندازی امپریالیسم امریکا انجام میگردد، خلق قهرمان ایران امروز با یکی از لحظه های سرنوشته ساز تاریخ خود روبرو است. ما نه تنها در قبال آینده میهنمان، بلکه همچنین در برابر تاریخ خلقهای منطقه مسئولیت بزرگی بعهده داریم. اگر خلق قهرمان ما در این لحظه تاریخی از نبرد خونین با امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم امریکا، و متحدان و دست نشانده گانش، پیروز درآید - که بی تردید پیروز در خواهد آمد - برگ زرینی در تاریخ مبارزات آزادیبخش خلقهای سیر خاور نوشته است. پیروزی در این نبرد مستلزم فداکاری است، اما فداکاری هنگامی به پیروزی می انجامد که از جنبه فردی بیرون آید و شکل توده ای و هگانی بخود بگیرد. فداکاریهای فردی هر قدر بزرگ باشد و بعدا بیار هم برسد، نمی تواند سازنده



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۲۹  
شنبه ۱ مهر ۱۳۵۹، بهار ۱۵ دیال

# امام خمینی: صدام حسین به تحریک امریکایه ایران

## حمله کرده است

ایران در حال جنگ است با آمریکا

صدام حسین است که بواسطه تحریک امریکایه به ما تجاوز کرده است، ما اگر جوابی به او بدهیم هرگز به ملت عراق که برادر ما هستند مربوط نیست. امام در ادامه پیام خود گفت: صدام حسین طرفدار گارتی است و بواسطه طرفداری از گارتی و گرفتن نوا از او دارد به ایران حمله می کند. و گارتی این توگرهای خودش را مثل صدام حسین، مثل سادات و امثال اینها را وادار کرده است که به ایران حمله بکنند و به ایران صدمه بزنند. امام افزود:

صدام حسین به مناسبت آغاز سال تحصیلی و تجاوز رژیم جنایتکار عراق به خاک ایران پیامی فرستاد. امام در این پیام از جمله گفت: به جمعیت هائی که می خواهند نگذارند مدارس باز شود باید توجه داد تعداد اینطور موقمی که ایران در این وضع واقع است و عراق رسماً اعلام جنگ کرده است به ایران، اگر راست میگویند که شما با ملت هستید و نسبت به خلق وفادار هستید باید شما خودتان در این امر با ملت ایران همراهی کنید. اگر ما دیدیم شما در مدارس ایجاد اختلال کردید، ماحبت

## درود و افتخار بر دانش آموزان و فرهنگیان انقلابی، که باراه پیمائی وحدت آفرین خود، راه بر امپریالیسم و ضد انقلاب خواهند بست

امروز در مدارس سراسر کشور زنگها صدا در خواهند آمد تا میلیونها کودک و نوجوان را، در صفوف فشرده و منبسط، از کلاسهای درس به راه پیمائی وحدت فراخوانند، که این حرکت منبسط انقلابی، شدت و تشنه، شتی محکم بر دهان امپریالیسم امریکا و مزدوران نفاق آن خواهد بود. امروز در مدارس سراسر کشور زنگها صدا در خواهند آمد تا میلیونها کودک و نوجوان را، در صفوف فشرده و منبسط، از کلاسهای درس به راه پیمائی وحدت فراخوانند، که این حرکت منبسط انقلابی، شدت و تشنه، شتی محکم بر دهان امپریالیسم امریکا و مزدوران نفاق آن خواهد بود. امروز در مدارس سراسر کشور زنگها صدا در خواهند آمد تا میلیونها کودک و نوجوان را، در صفوف فشرده و منبسط، از کلاسهای درس به راه پیمائی وحدت فراخوانند، که این حرکت منبسط انقلابی، شدت و تشنه، شتی محکم بر دهان امپریالیسم امریکا و مزدوران نفاق آن خواهد بود.

## نخست وزیر: استکبار جهانی و در رأس آن امریکای تجاوزگر... از طریق دولت بعثی و مزدور عراق علیه انقلاب اسلامی ایران تلاش مذبحخانه اش را سازمان داد

آقای محمدعلی رجایی نخست وزیر دیشب طی پیامی به مردم ایران در مورد تجاوز نظامی رژیم جنایتکار بعث عراق علیه انقلاب ایران از جمله گفت: همانطور که اطلاع دارید استکبار جهانی و در رأس آن امریکای تجاوزگر در ادامه توطئه ها و تهاجم های خود اینک از طریق دولت بعثی و مزدور عراق علیه انقلاب اسلامی ایران تلاش مذبحخانه اش را سازمان داد و امروز چندین نقطه مهم اسلامی ما را مورد حمله هوایی قرار داده است.

## رئیس جمهور: ابعاد تجاوز امریکای از طریق رژیم بعث عراق، گسترده تر می شود

زمان آنست که دشمنان ما، مارا استوار، نستوه و توانا یابند. آقای بنی صدر رئیس جمهور، دیشب طی پیامی، در مورد تجاوز نظامی رژیم جنایتکار بعث عراق به پشتیبانی امپریالیسم امریکای علیه ایران، سخن گفت. وی از جمله گفت: رژیم بعث عراق جز دروغ تبلیغ نمی کند. ما از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا این لحظه هیچگاه خواهان نبودیم که درگیری نظامی با دولت بعث عراق پیدا کنیم... اما بر ما روشن بود که دولت بعث عراق در تابت کامل از ابر قدرت امریکای عمل می کند و هدفی جز این ندارد که به انقلاب اسلامی ما صدمه بزند و دولت و رژیم انقلابی ما را هر روز با مشکلات تازه ای روبرو بسازد. نه تنها در مرزها تجاوز را دولت بعث عراق آغاز کرد، بلکه از روز نخست پیروزی انقلاب، در داخل مرزهای ما خرابکاران رژیم بعث عراق، هیچ از فساد و خرابکاری فرگذار نکردند.

## پیام حجت الاسلام خامنه ای، امام جمعه تهران بمناسبت تجاوز رژیم بعث عراق به ایران

بسم الله الرحمن الرحیم ملت مسلمان و انقلابی ایران، برادران و خواهران دولت دستنشانده و مزدور عراق، تجاوز هوایی به حریم جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرده و به چند پایگاه هوایی حمله نموده است. ما تسکون نخواسته بودیم حمله را آغاز کنیم، اما ارتش جمهوری اسلامی، تجاوز این بعثی های دستنشانده را تحمل نمی کند و درس تلخی به صدام خواهد داد. مردم عزیز ما باید

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود



# نمایشگاه بین المللی بازرگانی برای شکستن محاصره اقتصادی امپریالیسم امریکا

## ۹ کشور از ۱۵ کشور شرکت کننده را کشورهای سوسیالیستی تشکیل می دهند.

### مدیر کل نمایشگاههای بین المللی: برگزاری این نمایشگاه فرصت مناسبی پدید آورد که ضمن تشکیل آن به این نکته مهم پی ببریم که، چه کشورهایی به حفظ مناسبات تجاری و اقتصادی خود با ایران، علیرغم فشارهای بین المللی، همچنان ادامه می دهند.

هزاران نفر از مردم وطن ما در چند روز گذشته از هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی در تهران دیدن کرده اند.

در این نمایشگاه که برای اولین بار در تاریخ نوین ایران، نه تنها برای غارت کشور ما تشکیل نشود، بلکه هدف از برپایی آن حل مشکلات اقتصادی جمهوری نوین اسلامی ایران است، مردم وطن ما با دوستان راستین انقلاب ایران همچنین با اختراعات دهها ایرانی آشنا میشوند.

در این نمایشگاه ۹ کشور سوسیالیستی: اتحاد جماهیر شوروی، بلغارستان، لهستان، یوگسلاوی، کوبا، چکسلواکی، جمهوری دموکراتیک آلمان، رومانی و مجارستان شرکت کرده اند. در غرفه این کشورها اکثریت کشورهای شرکت کننده را تشکیل می دهند، انواع کالاهای صنعتی، کشاورزی و غذایی که می تواند حلقه محاصره اقتصادی امپریالیسم امریکا را بشکند و راه رشد مستقل صنعتی ایران را فراهم کند، به نمایش گذاشته شده است. از سنگین ترین و پیچیده ترین ماشینهای صنعتی تا ساده ترین لوازم مورد نیاز در غرفه کشورهای سوسیالیستی در معرض تماشای عموم گذاشته شده است.

گذاشته شده است.

آقای لال امیری، مدیر کل مرکز توسعه صادرات ایران و نمایشگاههای بین المللی، در سخنرانی خود به مناسبت افتتاح نمایشگاه، دمووردهای شرکت کننده در این نمایشگاه و هیئتور اهمیت تشکیل آن گفت:

«برگزاری هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران فرصت مناسبی پدید آورد که، ضمن تشکیل آن، به این نکته مهم پی ببریم که، چه کشورهایی به مناسبت تجاری و اقتصادی خود با ایران، علیرغم فشارهای بین المللی، همچنان ادامه می دهند...»

در شرایط حساسی که امپریالیسم امریکه، کشور ما را تحت شدیدترین محاصرههای اقتصادی قرار داده است، برپایی چنین نمایشگاههایی میتواند از لحاظ دستیابی به منابع جدید عرضه کالا، آشنایی با دستاوردهای جدید علم و فن، انتقال تکنولوژی پیشرفته و بالاخره چاره اندیشی برای لیل به خودکفالی صنعتی مشرکمان باشد.

یکی از دیدنی ترین قسمت های نمایشگاه، غرفه دکاتالوک و اختراعات مخترعین ایرانی است که، پس از خاتمه نمایشگاه بین المللی، بصورت نمایشگاه دائمی در تمام طول سال دائم خواهد بود. در این غرفه نزدیک به ۱۰۰ مخترع ایرانی تازه ترین اختراعات و ابداعات خود را به نمایش گذاشته اند و هدف از برپایی آن تشویق و تقویت افرادی است که توانسته اند با هوش و توانایی خود، کشفیات و یا اختراعاتی را در اختیار جامعه بگذارند. به این منظور از طرف صنایع و معادن رومی به مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است، که از طریق کارشناسان مسئولین، در اختیار مخترعین و مکتشفین ایرانی جهت تحقیقات بیشتر و تکامل و تولید اختراعات و اکتشافات آنها قرار داده خواهد شد.

اتحاد جماهیر شوروی بزرگترین غرفه را بخود اختصاص داده است. پس از آن، جمهوری دموکراتیک آلمان و بلغارستان بزرگترین غرفه ها را برپا کرده اند.

در غرفه اتحاد شوروی دستگاه های صنعتی از قبیل دستگاه های نخریسی و تراشکاری، وسائل الکترونیک و کامپیوتری و همچنین ماشین های از کارخانه های تولیدی از قبیل نوب آهن و ساج به نمایش گذاشته شده است. قسمتی از غرفه اتحاد شوروی به چگونگی زندگی مسلمانان اتحاد شوروی اختصاص داده شده است که در آن مکس های از مساجد و انجام مراسم مذهبی مسلمانان شوروی و همچنین چند جلد از قرآن، های چاپ شوروی به نمایش گذاشته شده است.

قسمتی دیگر از غرفه شوروی به محصولات و وضع زندگی مردم جمهوری ازبکستان شوروی اختصاص یافته است، که در آن صنوعات و صنایع دستی و چگونگی زندگی مردم جمهوری ازبکستان به نمایش

ایرانی به نمایش گذاشته شده است.

۱۶۲ شرکت تولیدی داخلی در این نمایشگاه، شرکت دارند که کالاها و تولیدات خود را به نمایش گذاشته اند. در این نمایشگاه، برخلاف نمایشگاه های گذشته، که اغلب شرکت کنندگان در آن کالاهای معمولی و زینتی خود را به نمایش می گذاشتند، صنایع تولیدی و تولیدات حرفه ای شوروی مردم به نمایش گذاشته شده است.

کالاهایی که این شرکتها به نمایش گذاشته اند، عبارتند از: تولیدات صنعتی از قبیل اتومبیل های ساخت ایران، فرآورده های کارخانه های ماشین سازی، وسائل کشاورزی، تولیدات غذایی و سایر صنوعات و وسائل که در ایران ساخته میشود. این محصولات در غرفه های گوناگون و در فضای باز نمایشگاه به نمایش گذاشته شده اند.

در میان کشورهای شرکت کننده در این نمایشگاه

از کشورهای سرمایه داری تنها دو کشور سوئد و اطریش در نمایشگاه شرکت کرده اند. غرفه سوئد که کوچکترین غرفه نمایشگاه است، تنها مقداری عکس را شامل میشود و غرفه اطریش نیز تنها چند کالای بی اهمیت را به نمایش گذاشته است. کشورهای دیگر شرکت کننده در این نمایشگاه عبارتند از: ترکیه، لیبی، بنگلادش و پاکستان.

در کنار این نمایشگاه، نمایشگاه دیگری بنام «دکاتالوک و اختراعات مخترعین ایرانی» نیز قرار دارد که بطور دائمی در تمام طول سال دائم خواهد بود. در این نمایشگاه اختراعات و ابداعات مخترعین و کاشفین



آقای الکساندر فارموسی مسئول غرفه مجارستان در نمایشگاه تهران

### مسئول غرفه مجارستان در هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران به خبرنگار نامه «مردم» گفت:

## مجارستان آماده است بدون هیچ شرط سیاسی با ایران همکاری اقتصادی و بازرگانی داشته باشد

### مجارستان آماده است همه صنایع سنگین و سبک را در اختیار ایران بگذارد

مسئول غرفه مجارستان پس از اظهار این مطالب افزود: شرکت های مجارستان با قصد از شرکت های ایران قراردادهایی بستند و ما امیدواریم که این مناسبات در سطح وسیعتری برقرار شود.

وی درخاتمه سخنانش در مورد انقلاب ایران گفت:

«هیئت انقلاب خوب است، زیرا مقصد انقلاب ایجاد زندگی بهتر برای خلق است. انقلاب ایرانی نیز یک انقلاب ضد امپریالیستی است، که همین مقصد را دنبال می کند»

ما بدون آنکه هیچ نوع شرط سیاسی داشته باشیم، آماده ایم که با ایران همکاری کنیم. امیدواریم که ایران دست ما را برای ایجاد دوستی و همکاری بیشتر بشارد»

وی در مورد اینکه کشورش کدام کالاها را میتواند به ایران وارد کند، گفت:

«ماشین و وسایل کشاورزی، وسایل الکتریکی، مواد غذایی، فولاد، آهن، مواد شیمیایی و بطور کلی صنایع سنگین و سبک را می توانیم در اختیار ایران قرار دهیم. همچنین آماده ایم تا تمامی تولیدات کشور ایران را خریداری کنیم»

رئیس تدارکات نمایشگاههای بین المللی در مجارستان، آقای الکساندر فارموسی، در غرفه مجارستان در نمایشگاه بین المللی تهران، در یک گفتگوی اختصاصی با نامه «مردم» خاطراتش ساخت که:

«محاصره اقتصادی از سوی امپریالیسم رامن حل برای حل درگیریها نبود، بخصوص که ایران دوستان زیادی در خارج از کشورش دارد، که حاضر به همکاری متقابل و دو جانبه ای با ایران هستند. غرفه مجارستان نمونه خوبی است برای ایجاد این همکاری و دوستی»

آقای الکساندر فارموسی، که مسئولیت غرفه مجارستان در نمایشگاه بین المللی تهران را هم برعهده دارد، در مورد نحوه همکاری کشورش با ایران گفت:

## پیام رئیس جمهوری اسلامی ایران به نمایشگاه بین المللی: کشورهای شرکت کننده در این نمایشگاه نشان میدهند که به حفظ مناسبات بازرگانی و صنعتی با ایران علاقه دارند

### وزیر بازرگانی: برگزاری هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران فرصت مناسبی پدید آورده است که ضمن تشکیل آن، وزارت بازرگانی دریابد که چه کشورهایی به حفظ مناسبات تجاری و اقتصادی با ایران، علیرغم فشارهای بین المللی، همچنان ادامه می دهند.

که متضمن تامین رفاه ملای و معنوی و تعالی افراد این کشور باشد، از همان آغاز مورد توجه ما بوده است. در اصل ۴۴ قانون اساسی، که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را مشخص میکند، مسئله ملی کردن بازرگانی خارجی با صراحت کامل گنجانده شده است.»

### پیام وزیر بازرگانی...

«همچنین وزیر بازرگانی، در پیامی که به مناسبت گشایش هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران، از جمله گفت:

«واردات ایران نشان میدهد که بیش از ۹۰ درصد واردات ایران وابسته به ایالات متحده امریکا، بلژار مشترک اروپا، ژاپن، استرالیا، کانادا و کشورهای صنعتی بوده است، که از لحاظ اقتصادی و سیاسی از منافع ایالات متحده امریکه حمایت میکنند...»

«برگزاری هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران فرصت مناسبی پدید آورده است که ضمن تشکیل آن، وزارت بازرگانی دریابد که چه کشورهایی به حفظ مناسبات تجاری و اقتصادی ایران، علیرغم فشارهای بین المللی، همچنان ادامه می دهند...»

آقای بنرمدو، رئیس جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت افتتاح هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی در تهران پیام فرستاد. در این پیام، که در شماره اول نشریه داخلی روزانه نمایشگاه چاپ شده، از جمله آمده است:

«در خلال ۱۸ ماهی که از قیام حماسه آفرین ملت روزمنده، متعهد و مسلمان ایران گذشته است، امریالیسم امریکا و متحدان او، که سالیان متعددی به چال و لرنوهای طبیعی و بهره کشی از تمام شئون اقتصادی این مرز و بوم اشتغال داشته اند، از انجام دادن هیچ نوع توطئه و خرابکاری برای فلج کردن اقتصاد کشور و به زانو در آوردن این امت از هستی ساقط نشده، دریغ نوزیدند. خودداری از فروش کالا به ایران، عدم تعویل لوازم یدکی و تجهیزات صنعتی و مواد خام برای برآمدن از صنایع، عدم حمل محموله های تجاری ایران، ایجاد ناامنی در بهترین گمرک های مرزی، بلوکه کردن ذخایر ارزی ایران و بالاخره پشت پا زدن به کلیه تعهدات مربوط به پروژه های اقتصادی و صنعتی و دهها اقدام ناجوانمردانه دیگر از طرف این کشورها، برای درهم شکستن انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته است...»

کشورهای شرکت کننده در این نمایشگاه مسلا نشان میدهند که به حفظ مناسبات بازرگانی و صنعتی خود با ایران علاقه مندند و حاضر نیستند که با تحریم اقتصادی پیشنهادی کار می علیه ایران همکاری نمایند...»

«تشی بازرگانی خارجی در خود کفا کردن اقتصاد کشور و نیل به استقلال اقتصادی از طریق قطع ایادی امپریالیسم بین المللی و پایه گذاری یک اقتصاد اسلامی،

**مرگ بر امپریالیسم جهانخوار امریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان**

های بیخ مراجعه کنند و برای دلخ از انقلاب آماده شوند.

بر اساس این دستور حزبی چون سازمان بیخ در کردستان وجود ندارد، ما تمام نیروی خود را برای دفاع از انقلاب در صورت تجاوز نظامی حکومت فاشیستی بعث و امپریالیسم امریکا در اختیار سپاه پاسداران مستقر در سقز می گذاریم.»

در پایان این نامه، ضمن تاکید بر اینکه جدایی صف خلق و ضد خلق در کردستان تنها با حل مسالمت آمیز مسئله کردستان منجر به رفع ستم ملی از خلق کرد امکان پذیر است، رهبری انقلاب می گذارد. در چارچوب این سیاست اصولی از همه اعضاء و هواداران حزب دعوت می کند، که در هر کجا که هستند به سازمان

**به پیروی از فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران: سازمان حزب توده ایران در سقز نیروهای خود را در اختیار سپاه پاسداران می گذارد**

کمیته مرکزی حزب توده ایران همزمان با دعوت همه نیروهای انقلابی به اتحاد عمل در جبهه متحذلق، بنوع خویش تمام نیروهای خود را در

سازمان حزب توده ایران در شهرستان سقز، ضمن نامه سرگشاده ای خطاب به فرماندهی سپاه پاسداران مستقر در سقز، اعلام کرد که در صورت تجاوز نظامی امریکا و حکومت فاشیستی بعث عراق به ایران، تمام نیروی خود را برای دفاع از انقلاب در اختیار سپاه پاسداران مستقر در سقز می گذارد.

در این نامه ضمن برزسی تومنه های امریکا علیه انقلاب ضد - امپریالیستی و خلقی ایران، آمده است:

«ضد انقلاب جهانی، سرگردگی امریکا، هر بار که شکست خورد،



# بهبانهای امریکا

اگر کسی تصور کند که دولت امریکاییان با بهانه ورود نیروی شوروی به افغانستان، اقدام به تاسیس پایگاههای نظامی و به برقراری حضور نظامی در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند کرده، و اگر این بهانه نبود، گریز امریکاییان به سوی آریزای بیخوبی بود، آن کس البته در "حاشیه" نرفته و به "مستحق جان و جبران واقعی" که در آن میگذرد، توجه ندارد. وقتی از این واقعه مطلع نیست که، مثلا پایگاه نظامی امریکا در جزایر سمبل و دیوگارسا (واقع در اقیانوس هند) پایگاه نظامی امریکا در جزیره "موره" (در عمان) و با مقررات استگاه مراقبت نظامی امریکایی در بحرین و ... قبل از حوادث افغانستان و حتی قبل از انقلاب ایران و ساقط شدن رژیم پهلوی در ایران، که عهده دار نقی زاندارم مضافی امریکایی است، استقرار یافته است.

بدیهی است که به دنبال پیروزی انقلابهای ضدامپریالیستی و خلقی در ایران و افغانستان، امریکاییان با تکیه بر قدرت مطلق و سلطه آنها در منطقه، دست به تهاجمات خود در منطقه افزوده اند. در همین حال دستگاه تبلیغاتی امریکایی در کمپین به پیشبرد این ممالکتها، صنایع داروچینی و انوساز که این تشدید فعالیت گویا واکنشی است نسبت به حضور نیروهای شوروی در افغانستان؛ ولی با اندکی تامل و تدبیر که قلم تبلیغاتی امریکایی، بر احوال میخواند این واقعه آشکار را دید که، هدف از گسترش ممالکتها نظامی و غیر نظامی امریکایی در منطقه، در درجه اول سرکوب و استیلا انقلابهای پیروزمند ایران و افغانستان است، و اگر اتحاد شوروی درخواست دولت افغانستان را در ازمای نیروهای مسلح کمکی نمی پذیرد و به آن کشور کمک نظامی نمی کرد و یادروم موضع پشتیبانی قاطع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار نمی گرفت، امریکایی امریکا با تجارت بیشتری می توانست نقشهای تجارکارانه و توطئه گرانه خود را برای باز پس گرفتن ایران و افغانستان اجرا کند.

اگر مطلب را اینطور مطرح کنیم که افغانستان نمیبایستی از شوروی در برابر تجاوز خارجی نقضای کمک نظامی بیکرد و شوروی نمیبایستی این تقاضا را می پذیرد و بهر صورت نمیبایستی نیروی شوروی وارد افغانستان میشد، تا بهانه بدست امریکایی توسعه فعالیت در منطقه نیفتد، آنگاه مطلقا باید بپذیریم که، بهتر این بود که برای ندادن بهانه، اساسا انقلابی در افغانستان رخ نمی داد!

هر کسی که نخواهد قلم بطلان برواقعات بکشد میداند که یکی از اهداف اصلی امریکایی امریکا سرکوب انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی افغانستان است و امریکا، قبل از ورود نیروی شوروی به افغانستان، تجاوز به افغانستان را از راه پاکستان و تحت عنوان "اطلام آغاز کرد، و اگر انقلاب افغانستان در همین خطر جدی از جانب نیروهای تجاوزگر خارجی قرار می گرفت، نه دولت افغانستان نیازی به کمک محدود شوروی میداشت، و نه شوروی چنین تقاضایی را می پذیرد.

حضور در این درک این مطلب را آسان تر میکند، جمهوری اسلامی ایران از اتحاد شوروی کمکهای مبارزه با امریکایی امریکایی درخواست نکرده سبزی هم به چنین کمکی نیوده است. بدینسان دولت امریکایی "مدخله" شوروی در ایران بهانه ندارد. ولی آیا این فقدان بهانه مانع از آن شده است که امریکا انواع توطئه ها را، تا تجاوز آشکار مسلحانه بقصد سرنگ کردن رژیم خمینی اجرا کند؟ نه، نشده است. چرا؟ برای اینکه امریکایی جهانی، سرکردگی امریکایی امریکا، دشمن استقلال خلق ها است. برای اینکه انقلاب ایران خصلت ضد-امپریالیستی (استقلال طلبانه) و خلقی دارد. برای اینکه ایران منبع عظیمی برای غارت و پایگاه نظامی بزرگی علیه اتحاد شوروی بوده، بهر قیمتی شده، امریکایی خواهد آرایش بکشد.

ما اگر قبول داریم که امریکایی امریکا، سرکردگی امریکایی امریکا، در صحنه جهانی، نیروی سلطه جو، توسعه طلب، نوامشازگر و غارتگر است، و در راه استیلا در منطقه خود بر خلقهای کشورهای مختلف از هیچ جنابیتی ابائی ندارد، آنگاه باید قبول داشته باشیم که، هر انقلاب ضدامپریالیستی، هر رژیم مستقل خلقی، هدف تجاوز و توطئه امریکایی امریکایی میگردد. بهر بهانه، با تراشیدن بهانه و پایی هیچ بهانه.

بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم، دولت امریکا سیاست تشکیل بلوک بندبهای نظامی را در پیش گرفت و بوسیله "پیمانهای نظامی مشترک و دو جانبه" بسیاری از کشورهای را به زنجیر کشید. بهانه چه بود؟ خطر شوروی. آیا چنین خطری وجود داشت؟ نه، وجود نداشت. ولی مترک آن بوسیله تمامی دستگاه تبلیغاتی امریکایی به انواع و اشکال علم شد، تا آن جا که جیمز فوستر آل، وزیر جنگ وقت امریکا، فریاد زنان که: "روسیها هستند خود را از پنجره بزر انداخت و خود کشتی کرد!

دعوی وجود خطر موهوم شوروی، حتی قبل از جنگ جهانی دوم نیز برای تبلیغات امریکایی برای پیشبرد سیاست محاصره شوروی با کمربند صهی بود. در این محاصره رژیم رضاخان هم شرکت داشت و ایران یکی از حلقهات زنجیره "کمربند صهی" علیه شوروی بود.

تبلیغات امریکایی اکنون نیز، بویژه برای خلقهای کشورهای رنجناخته سرمایه داری (اروپای غربی، کانادا، ژاپن، استرالیا، امریکا، ترکیه و خطر شوروی را با شدت هرچه تاسف آمیز تر حرکت درآورده

# ابتدال ضد مارکسیستی

باوسمترین ملومات نظری-مندی باهم بدست آمد، زیرا نیازم دوران انقلاب علمی-فنی، که صادر آن زندگی می کنیم، اینست که یک کارشناس، در همین اینکه در یک رشته ویژه از علوم یا فنون (مثلا پزشکی، شناسی، بیماریهای قلبی، جنگاری و غیره) تخصصی است، باید این قابلیت را داشته باشد که تخصصی (حتی چند تخصصی) دیگر (مثلا فضاوردی، کسار در شرایطی-فنی، نگاربردن ماشینهای بسیار پیچیده محاسبات الکترونیک، کمپیوترها و غیره) را نیز در اسرع اوقات فراگیرد. برای عداوت مدد مانی لازم و پرورش نوجوانان برای این منظور است که علاوه بر دانشکدههای آزاد (که از اسبق وجود داشتند) دردهه اخیر مدارس آزاد در حد متوسطه در جنب دانشکدهها (مثلا مدرسه آزاد فیزیک-تکنیک در جنب دانشکده فیزیک - تکنیک سراسر) تاسیس شده اند. تا این ذکر است که بسیاری از کارشناسان نامدار و جوان در علم فن شوروی همین مدرسه راهی کرده، سپس به دانشکده های مربوطه وارد شده و پس از آن، دانشکدههای فنی و کارشناسی جداگانه ساخته شده اند. و این درست همان چیزی است که به مقل نویسنده مقاله "کیهان درست درنی آید، زیرا ایتان با همه" ظاهر به مترقی بودن، در واقع سخت گشته برستند. مینویسد:

"ازدفع گفتماند که آدم همه کاره هیچ کاره است. بعبارت دیگر، اگر بدنیال اصل چند تخصصی هم برویم و انسانهایی بسازیم که قرار است در چندین کار تخصصی باشند، بازم بهر راه رفتایم (!!) و خود را از دقت و ظرافت فنون و علوم برکنار داشتایم."

مثال اینست که ایشان تاکنون "ازدقت و ظرافت فنون و علوم برکنار" نمانده اند! نقل قولهایی از قرآن کریم (البته برای اثبات سلمانی خودشان) از کسکو، و از "مرام آلمانی" و "آنتی دورینگ" (!!) (مقصود آنتی دورینگ است) تالیفات "دوبار دیستانی مارکس و انگلس" از سوی دیگر، آنچه به نحوی که ایشان نقل قول کرده اند، بارزترین نمونه "آسمان و زمین بهم بافتن" است و نه نمانند "دقت و ظرافت علمی" که در "زیرا ایتان (بسیار زحمت کشیده) و، به اصطلاح خودشان، "تان نزول عنوان" مقاله خودشان قرار داده اند (یعنی دوسمه از دوبار "دیستانی" که این آقای "دانشگاهی" نقل کرده) هیچ ارتباطی با نظریه مارکسیسم درباره علم و فن بطور کلی و درباره آموزش پلی تکنیک (چندفنی) در جامعه سوسیالیستی بطور خاص، نداشته و ندارد. در صورتیکه مارکسیسم و انگلسی کتبهما نوشتههای بسیار درباره نقش علم و فن در جامعه بشری دارند، که بویسنده مقاله "کیهان میوانست نقل کند. از جمله مارکس مینویسد: "به موازات رشد صنایع سنگین، ایجاد ثروت واقعی جامعه، بیش از پیش به سطح کلی علم، بهتری فن، به کاربرد علم در تولیدات وابسته میشود" (مارکس و انگلس، آثار، جلد ۲، ص ۴۶، قسمت ۲، ص ۲۱۲).

همچنانکه چند عبارت مهربی در مقاله، مومن بودن نویسنده، مقاله "کیهان را ثابت نمیکند، فلسفه بافی شان درباره "نومی از خود بیگانگی" و نقل کلمه "Alienation" هم نتوانستند شکل "شبه علمی" به نوشته ایشان بدهد. آنچه در آن تردیدی نیست، اینست که "شان نزول" واقعی مقاله ایتان، می درابتدال مارکسیسم بهموجب امریکایی، به شیوه همان "قریبی" است (یعنی غرب سرمایه داری امریکایی) که ایشان، همه فرب زدن حقیقی در تکرار عمل خود را، میخوانند زیر پرده بازاره با آن ستور سازند. تلاشی است بیپوده.

میتواند قبول کند که شوروی هم چیزی است نظیر امریکا و با حتی بدتر از آن. و آنگاه که قبول کرد شوروی هم چیزی است مانند امریکا، دیگر براحتی میتوان برای او شوروی را هم مانند امریکا تجاوز، فارتگر و استعارگرسر قلمداد کرد. آنگاه دیگر میتوان به آسانی گفتگوی محدود شوروی به افغانستان را، که طبق درخواست دولت افغانستان برای دفع تجاوز خارجی صورت گرفته، "تجاوز" و "انتقالگری" نامید. آنگاه افرادی نظیر قبط زاده میتوانست سیاست خارجی کشور را در سردستی بی جهت با اتحاد شوروی برانند، و در چنین صورتی مراد امریکایی امریکا، چه در افغانستان و چه در ایران و چه در هر نقطه دیگری که جنبش استقلال طلبانه و با رژیم مستقلی را بخواهند از دوستان طبیعی او در صحنه بین المللی محروم کنند، از همکاریهای مفید و ضروری خلقهای تازه به استقلال رسیده با کشورهای سوسیالیستی و بویژه شوروی جلوگیری کنند و بدینسان خلقهای تازه به استقلال رسیده را به انزوا بکشاند، تا شاید بتوانند آنها را از پای در آورند. حاصل است.

باور به تبلیغات مبتنی بر تئوری "دو قدرت" فردی را که از سوسیالیسم و از ساختار اقتصادی - اجتماعی اتحاد شوروی و از سیاست آن که ناشی از نظام سوسیالیستی و در جهت رفاهتی خلقها از جنگ سلطه امپریالیسم است، بقدر کافی اطلاع نداشته باشند، میتواند چنان فریبده که او یکی از متن جدا شود و یکی "درحاشیه" قرار گیرد و تصور کند که شوروی و امریکا با یکدیگر سازند، تا جایی که این خود تقسیم کنند. و همینکه مرد دجار چنین تصور شد، در بهترین حالت مخالف توسعه روابط با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، یعنی مسلا مخالف با کمک به رشد سریع مستقل کشور، و در حالت بدتر، میتواند طیبه و آلت دست مرضی شود که میخواهد "خط برهنگی" را در مسابقات بین ایران و شوروی پیاده کند، تا ورود مجسدد "موسام" (آذر مغب) آسان تر شود.

دوران بازسازی همه چیز را حل میکند!" شروع کردند که پس از اجرای پیروزمندان، آن، شمار "گذرها همه چیز را حل میکند!" جای آنها گرفت.

یکی از عوامل عمده پیشرفت فنی و علمی سابقه علم و فن شوروی در دوران پس از جنگ جهانی اخیر، که چشم جهانیان را خیره ساخت، همانا توجه به یک مارکسیستهای آن کشور به رشد علوم و فنون و تکامل آموزش پلی تکنیک (چندفنی) بود. آن استیگانه عظیم البته، که هم اکنون در بالای سرما و شامامها در گردش است و کیهان نوردان چندفنی و چند تخصصی جهان سوسیالیسم گروه - گروه و بی بی به آن می پیوندند، دشوارترین آزمایشتها و پژوهشهای علمی و فنی در رشتههای متنوع تخصصی و کارشناسی را انجام میدهند و پیروزمندان به گره خاکی ما بر میگرددند، تنها یک نمونه از دستاوردهای فرهنگ سوسیالیستی و تخصص مارکسیستی است. با انجام برنامه "پنجساله" نهم، اتحاد شوروی نه تنها در استخراج زغال، سنگ آهن، تولید سیمن، بلکه همچنین در زمینه استخراج نفت، تولید فولاد، کودهای شیمیایی و برخی فراوردههای دیگر مقام اول را در جهان بدست آورد. تنها در سال ۱۳۵۲، بیش از ۴۹۰ میلیون تن نفت استخراج شد، قریب ۱۰۴۰ میلیون کیلووات ساعت نیروی برق، ۱۴۱ میلیون تن فولاد، ۱۲۳ میلیون تن سیمن، ۹۰ میلیون تن کودهای شیمیایی تولید کردید. آیا بی کاربرد آخرین دستاوردهای دانش مترقی بشر، بدون ارتقا" سطح تخصص فنی، در کشوری که قبل از پیروزی انقلاب سوسیالیستی، از عقب ماندن ترین کشورهای سرمایه داری بود، چنین پیروزیها میسر است؟! بر پایه "همین دستاوردهای برنامه پنجساله نهم بود که، کنگره ۲۵ حزب کمونیست اتحاد شوروی (۱۳۵۲) بویژه "توسعه ترقی علمی-فنی" در برنامه ارتقا" سطح تخصصی و آموزش چندفنی (پلی تکنیک) را یکی از "وظایف اصلی برنامه پنجساله دهم" قرارداد. در نتیجه اجرای این برنامه بود که در سال ۱۳۵۸ (نست به سال ۱۳۱۹) درآمد ملی اتحاد شوروی ۱۳۰۶٪ مرتبه، حجم فراوردههای صنعتی ۲۰٪ مرتبه، محصولات اقتصاد روستایی ۲/۵٪ مرتبه و سهم واقعی سرانه از درآمد ۵/۶٪ مرتبه افزایش یافت. ترقی علمی - فنی، که به نیروی مولد جامعه سوسیالیستی شوروی مبدل شده است، اساس همه این موفقیتهای شگرف را تشکیل داده است.

تجهه کارشناسان و تخصص رشتههای گوناگون علم، فن، صنعت، کشاورزی و غیره در اتحاد شوروی بطور کلی به دو شکل ممول بوده است: ۱- از طریق دانشگاهها، ۲- بوسیله مدارس عالی و فنی. در حال های اخیر نزدیک کردن و توأم نمودن این دو طریقی مورد توجه خاص قرار گرفته است. موسسات آموزش عالی بوجود آمدند که پایه کار آنها را تهیه - کارشناسان در پیوند با دانشکدههای پژوهشهای علمی دفترهای سازندگی و موسسات صنعتی و ایجاد مجتمعهای آموزشی - علمی - تولیدی تشکیل میدهند.

از این جلوه ماند دانشکده فیزیک - تکنیک کسکو، دانشکدههای مهندسی - فیزیک، فنون الکترونیک، ماشین سازی الکترونی در کسکو، دانشکده تکنولوژی لنینگراد، دانشگاه دولتی نوسیبیرسک و غیره. اندیشه اصلی که این دانشگاههای فنی و دانشکدههای پلی تکنیک دنبال میکنند، عبارتست از پرورش کارشناس "با سمت تعیین و بر پایه گسترده"، یعنی در این موسسات تحصیلات عالی، در واقع از راه توأم کردن ۳ نوع آموزش (تعلیمات همگانی، آموزش اختصاصی، پژوهش علمی) می شود که بالاترین سطح تخصص

شکل تازه ای، در قالب تئوری "دو قدرت" همان خطر موهوم شوروی را تبلیغ میکند.

شگرد تبلیغاتی امریکایی - چینی "دوایر قدرت"، با توجه به این دو واقعه تدوین شد که از یکسو خلقها، بنابه تجربه، خود، اکنون دیگر تا حدود زیادی امریکایی فارتگر و تجاوزگر، بویژه امریکایی امریکا را به تنهایی "زاندانم بین المللی" و دشمن غدار شماره یک همه خلقهای جهان شناخته اند. و از سوی دیگر، در نتیجه تبلیغات وسیع و چندین ده ساله بر ضد سوسیالیسم و بویژه بر ضد شوروی، همان خلقها هنوز به قدر کافی سوسیالیسم و سیاست اتحاد شوروی و دیگر کشورهای خانواده کشورهای سوسیالیستی را نشناخته اند. از این رو میتوان به مردم گفت که، آن شوروی (که شما نمی شناسید) مثل این امریکایی است (که شما میشناسید).

آن شوروی هم مثل امریکا است. چرا؟! بدلیل اینکه هم امریکا و هم شوروی، هر دو "ابقدرت اند" البته سخطهای که منبای این استدلال قرار گرفته، علوم است. مثل این است که بگوئیم، این دو آدم هر دو دندانند، چون هر دو دندان قاشق اند.

اگر کسی اتحاد شوروی را بعنوان یک کشور سوسیالیستی و همچنین سوسیالیسم را شناخت و تحت تاثیر تبلیغات امریکایی و ضد کمونیستی و ضد شوروی تصور کند که در شوروی هم نه حاکمیت کارگران و دهقانان برقرار شده، نه استعمار از بین رفته، نه ریشه ظلم اجتماعی با تفضی زنادی، ملی، مذهبی و غیره کنده شده، و با اگر کسی، در نتیجه تبلیغات امریکایی، از سوسیالیسم نظام و حیثیانه ای در تصور خود داشته باشد که در آن، پرزنان و پرزندان را بدرد میسرزند، چهها را از خانواده های میسرند، زنهار را مانند ماشین جوجه کشی بکار میگیرند، زحمتکشان را مانند نظام سرمایه داری و بدتر از آن در معرض استثمار قرار میدهند، مذهب را قدغن میکند و مومنین را مجازات میکند و الاغ سر و هکذا، آنگاه با همین تصور از سوسیالیسم، براحتی

چندی پیش، هنگامی که مقاله "تخصص زدائی مارکسیستی" را در روزنامه "کیهان" (۱۳۵۹/۶/۱۸) میخواندیم، بی اختیار یاد خبری افتادیم که پیش از آن توسط رسانه های همگانی در سراسر جهان پخش شده بود: خلمان کیهان نورد شوروی، گربانکو، و کیهان نورد محقق و پیغام، قام توان، پس از پیوستن به استگاه کیهانی "حالوت" و اجرای یک رشته آزمایشتها و پژوهشها درباره تکنولوژی و طب و زیست شناسی، که کارشناسان اتحاد شوروی و پیغام، با شرکت دانشمندان دیگر کشورهای سوسیالیستی تدارک دیده بودند، با موفقیت بوسیله دستگاه فرود سفینه کیهانی خود "سایوز ۳۴" در منطقه "میسس" شده در اوقات شوروی بر زمین نشستند. تلویزیونهای جهان (از جمله جمهوری اسلامی ایران) همان زمان تعدادی از تصاویر این مجموعه کیهانی عظیم (سالوت ۳- ۳۴- ۳۵) را پخش کردند، تا این حد که زاده عقل و دست "تخصص مارکسیست" - بویژه کارشناسان چندفنی - چند تخصصی است، و هم اکنون که خواننده مزبایس منظور را میخواند، دو کیهان نورد دیگر شوروی، پاپوف و پوپوین، در راستگاه کیهانی "سالوت ۶" (که ماههای است دور گره خاکی مادرگردنی است)، طبق برنامه تهیه شده توسط دانشمندان و فن شناسان "جهان مارکسیسم"، به تجربیات و تحقیقات علمی و فنی خود در فضای بیگرن کیهان ادامه میدهند.

انسان جهان سوسیالیسم با "ریمان استوار" دانش و فن و تخصص به "آسمان" ترقی، آزادی، رفاه و سرزندگی دست یافته است، اما نویسنده مقاله "کیهان"، "آسمان و ریمان را بهم میبند"، تا شاید مارکسیسم را به ابتدال بکشد، آذهان پاک مردم ساده را با هر ضد مارکسیستی و ضد شوروی میسر کند، در جهان کنونی کجاست که نداند، اینگونه پیروزیهای عظیم و محبت انگیز علم و فن، بدون دسترسی به بالاترین سطح تخصص و کارشناسی در رشته های گوناگون علوم و فنون پیشرو محاسباتی نیست؟! اما نویسنده مقاله کیهان مدعی است که گویا مارکسیسم تخصص زداست، مارکس و انگلس مخالف تخصص در علوم و کارشناسی در فنون بودند! جل الخالق!

در مجموع، جنگ داخلی (سال ۱۹۱۹) هنگامیکه دولت مقتدر جهان امریکایی - نخبستین دولت نوپید سوسیالیسم، اتحاد شوروی، حمله برده بودند، لنین می نوشت:

"باید همه علم و فن، همه دانائی ها و هنرها را بدست آورد. بدون این ما نمیتوانیم زندگی جامعه کمونیستی را بنا کنیم" (آثار، جلد ۳، ص ۵۵).

یکسال بعد، هنگامیکه انقلاب فرهنگی و مسئله ایجاد فرهنگ نوین سوسیالیستی (فرهنگ پرولتاری) در کشور شوروا مطرح میشد، لنین بویژه تاکید میکرد که:

"بدون درک روشن این نکته، که فقط با اطلاع دقیق از فرهنگی که تمام سر تکامل بشری از باده وجود آورده است و فقط با حلایی آن میتوان فرهنگ پرولتاری را تالوده ریخت، ما قادر به حل این مسئله نخواهیم بود... فرهنگ پرولتاری باید تکامل قانونمندان، آن ذخایر علموماتی باشد، که بشریت تحت ستم جامعه سرمایه داری، جامعه ملاکی و جامعه بورژوازی، بوجود آورده است." (آثار منتخبه به فارسی، جلد ۲، قسمت ۲، ص ۵۷۶).

طبق رهنمودهای لنین، مارکسیستهای آن کشور با سازی سوسیالیستی را بویژه زبر شمار "تکنیک در

تاسک آن و در پشت دود غلیظ آن - امریکاییسم امریکایی ستاد سیاست و این رانند جهان به دوران جنگ سرد، تازاندن سابقه تبلیغاتی و بدنیوسله سیرکردن انتهای سیر نیاید بر محتج صنعتی - نظامی، تشدید تشنج در جهان و بدنیوسله ایجاد جو ساعد برای سرکوب جنبشهای استقلال طلبانه را اجرا کند.

ولی تبلیغ بر محور افسانه "خطر شوروی" بتدریج از بعد از جنگ دوم جهانی، بویژه در کشورهای "جهان سوم" از تاثیر افتاد. خلقها بتدریج و بی هدف از دیگری، بویژه از آغاز سالهای ۱۹۶۰ باین سوی، که امواج مبارزات استقلال طلبانه طوفان آسایش و جنبش درآمد و ددها کشور آفریقای و آسیای شرقی امریکایی لاین استقلال خود را کت کردند. در تحریک مشاهده کردند که، خطری که آنها را تهدید میکند، فقط از سوی دولتهای امریکاییست، بویژه دولت امریکاست. در حالی که از سوی اتحاد شوروی نه فقط خطری آنها را تهدید نمیکند، بلکه درست برعکس، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی آماده اند به خلقهایی که در جهت کسب استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی علیه سلطه امریکاییسم می رزند، در صورت درخواست این خلقهای رزنده بقدر امکان خود کمک کنند.

اکنون دیگر در این "جهان سوم" تبلیغ افسانه "خطر شوروی" چندان موهبت نیست. حالا دیگر تکسکل است که مثلا به مردم هندوستان، با الجزایر، با ایران و ... تلقین کرد که، خطری از سوی شوروی آنها را تهدید میکند، لذا باید حمایت امریکایی امریکایی را برای رفع این خطر موهوم بپذیرند. و نیز حالا دیگر مشکل است که به خلقهای "جهان سوم" تلقین کرد که امریکا دولتی است بفرشی و دموکراته نشو و بشردوست. جهره آدمکش و جنایتکار و فارتگر دولت امریکایی امریکایی بیش از آن بر سر شده است که بتوان آنرا با تبلیغ بوشاند و با سرک کرد. در نتیجه، دستگاه تبلیغاتی امریکایی برای خلقهای شوروی "جهان سوم"، اکنون دیگر به



### هنوز نور انقلاب به درون کوره‌های آجرپزی نتاییده است



نوجوانانی که باید درس بیخوانند، به چنین کار طاقتفرسایی مشغولند

تزدیکترین کوره‌های آجرپزی استان بوشهر در ۲۴ کیلومتری جنوب شرقی این بندر و در حوالی شمال و مغرب دوروهای گورک و عالی چنگی (که کمتر از یک کیلومتر از هم فاصله دارند) قرار دارند. شغل اکثر اهالی کشاورزی به همراه دامپروری است و برخی هم به علت نداشتن زمین و امکانات زراعی به شهرهای اطراف مهاجرت می‌کنند. برخی نیز بالاچار به کار در کوره‌های آجرپزی روی می‌آورند. سالهای پیش، کارگران این کوره‌پز-خانه‌ها را اکثریت اهالی این دوروستان تشکیل می‌دادند، اما شرایط سخت کار موجب شده است که کارگران مهاجرافسانی جای آنها را پر کنند. البته لازم به یادآوری است که بعضی از کودکان نوجوانان به همراه بزرگترها هنوز به این کار مشغولند. تعداد کوره‌های آجرپزی این ناحیه ۱۵ تا است. صاحبان این کوره‌ها اغلب پیش از یک کوره دارند (دو تا) و از اهالی روستای گورک یا بندر بوشهر هستند. ساعات کار کارگران از ۷ تا ۱۲ ظهر و از ۲ تا ۷ بعد از ظهر است. گاهی اوقات کارگران کثرتی تا پاسی از شب که هوا خنکتر می‌شود، کار می‌کنند.

تجدید نیست و شکم بکنفر را هم برزور سیرمی کند. بهمه و بهداشت و دیگر قانونها شامل من، که کارگردانی هستم نمی‌شود و در اینجا از کک‌های اولیه و پیاوستل ایمنی ود بگر وسائل رفاهی خبری نیست. من چند بار با صاحب کوره برسر کم بودن حقوق حرفم شده است، ولی فقط اواول، که روزانه مزد می‌گرفتم، تنها ۱۰ تومان به مزد اضافه شد. از انقلاب انتظار دارم که امکانات کشاورزی در اختیار من کم‌ترین قرار دهد، تا دیگر مجبور نیاشم به این کار طاقت فرسا ادامه دهم.

یکی از نوجوانان کارگران کوره‌ها، که ۱۵ سال داشته و از فرط خستگی نفس می‌زند، گفت: "اسم من رسول است و الان ۳ سال است که آجرپزی می‌کنم. من درجه مجبورم مخارج خانوادهم را تأمین کنم. اصلا مدرسه نرفتم تا سواد یاد بگیرم. با اینکه کار سخت است، ولی مجبورم که کار کنم و به هر صورت راضی باشم. روزی ۵۰ تومان مزد می‌گیرم و بچه روستای گورک هستم. از اینکه دیگر از خودانی که کار می‌کنند، خواستیم که راجع به خودشان حرف بزنند. وی با رنگی زرد و صورت خاکی می‌گوید:

"من غلامرضا عالی حسینی اهل گورک، ۱۶ سال دارم و ۳ سال است که اینجا کار می‌کنم و خورج خانوادهم را تأمین می‌کنم. روزی ۵۰ تومان مزد می‌گیرم و تا بهال فرصت نکرده‌ام که به مدرسه بروم و درس بخوانم و ناچار هستم که از این کار راضی باشم و با کار فرما دعوا نکنم. یک کارگر افغانی مرق ریزان سانزدیک شد و با مصانبتی که خلی سخت است. از صبح تا غروب کار می‌کنیم و هیچی نداریم. همیشه کار می‌کنیم و خواب نداریم. فقط ۲ ساعت ظهر استراحت می‌کنیم. بعضی وقتها تا ساعت ۱۲ شب نیز کار می‌کنیم. وضع همگی ما همینطور است."

یکی دیگر از کارگران می‌گفت: "این کار هم مانند بقیه کارهای عملی (کارگری) خیلی سخت است، زیرا با گران بودن دروغ، حتی آب و برق هم زندگی ما خلاصه با این پول نمی‌شود گذران زندگی کرد. بخصوص حالا که کار آجرپزی است و مشتری ندارد و فروش آن کم است اگر بکارگردم، دیگر نمی‌توانم شکم زن و بچه‌ام را سیر کنم. الان ۱۲ سال است که کارگری می‌کنم. من زمین دارم، اما چون امکانات کافی در اختیار ندارم، همچنین پولی برای خرید تلمبه و بذر و کود در اختیار ندارم، بخاطر همین مجبورم که کار آجرپزی بکنم. البته در زمستان غله هم می‌کارم، تا کمک خرجم باشد. ماهی ۱۵۰۰ تومان حقوق می‌گرفتم، که بعد از انقلاب ۱۶۰۰ تومان شده است. نداشتن دکتر و درمانگاه مشکل بزرگ دیگرما است. مثلا اگر یک شب بچه‌ام مریض شد، چون وسیله‌ای ندارم که او را به درمانگاه بفرستم، مجبورم از شب تا صبح صبر کنم، و آن وقت اگر وسیله‌ای پیدا شود، او را به دکتر برسانم. در غیر این صورت مریض باید بمیرد."

مشکلات کارگران آجرپزی "گورک" بازتابی است از تمام کوره‌های آجرپزی در سطح کشور. هنوز پس از گذشت یکسال و نیم، نور انقلاب در کوره‌ها نتاییده است.

### زمستان امسال چه کسی مسئول مرگ زحمتکشان کاروانسرای زهتابی است

وقتی که زمستان می‌آید و ریزش برف و باران آغاز می‌شود، همگی بانگرتی بهسقفهایمان خیسره می‌مانیم و منتظر فروریزش می‌شویم. زمستان گذشته همه اهالی کاروانسرا از آلونک‌ها پستان بیرون آمدند و به‌خانه‌ها مسافرتی بیرون بنا نهانده شدند. چند تا از ما به‌همان برایش رفتیم و دیدیم که خدا میداند امسال چه کسانی قربانی خواهند شد. خدا کند تا زمستان نیامده است، فکری بحال ما نکنند و نگذارند بچه‌های بیگناهان زیر آوارمانند. این خلاصه حرف‌های زحمتکشان کاروانسرای زهتابی است. یکی از میراث‌های رزم واپسته و یکی از میراث سرمایه‌داری است. یکی از اسناد "حقوق بشر" آمریکا، برافشان می‌روم.

خیابان طویل "زهتابی" (زهتابی سابق) تهران، به روستایی است. کوچمه‌ای خاکی باخانه‌های گلی و دوبران. بوی گل و لجن همجا پستام می‌رسد. خیابان طویل "رزم" را طی می‌کنم تا به "دایره سرگردان"، که کاروانسرای سرهنگ "در آن" قرار دارد، می‌رسم. دور اطراف کاروانسرا را جستجو می‌کنم. تردید دارم که در این کاروانسرا که بسیاری از تاقهای گلی‌اش ویران شده است، انسانی زندگی کند. از در بزرگ کاروانسرا وارد محوطه می‌شویم. دور تادور کاروانسرا احساری کشیده شده است. که آنرا از خیابان جدا می‌سازد. در کنار دیوارهای کاهکی و فروریزش، آب آلوده و لجن و آشغال چشم می‌خورد. بوی تند لجن همجا را فرار گرفته است. نیمی که شب و روز کاروانسرا نشینان را می‌آزارد. دیوار سقف بسیاری از اتاقها فروریزش کرده است. در کنار تنها شیرآبی که در کاروانسرا وجود دارد، زنان و دختران بهشتن ظروف مشغولند. دختری پانزده ساله، که بهشت لکت زبانه بستنی کلمات را ادا می‌کند، مارا باسپهرانی به کلبه‌شان دعوت می‌کند. سختی راه می‌رود و بسیار باهوش بنظر می‌آید. وارد آلونک می‌شویم، همانند دیگر آلونک‌ها از نور و روشنی خبری نیست. در آنجا موجود می‌مانم تا چشم‌هایمان به تاریکی عادت کند. بچه‌های قد و نیم قدی دور هم نشستند، دو تاقچه کوچک، یک آتینه شکسته و مگس از امام خمینی زینت بخش آنراست. "عزیملی"، پدر خانواده، که مرد چهل و پنج ساله‌است، با شور و هیجان شروع به صحبت می‌کند. از اینکه برافشان آمده‌ام، ابراز خوشحالی می‌کند.

گوج از فقر به رنج می‌گوید: "هجده سال است که به اینجا آمده‌ام. قبلا در روستای "حسین آباد" واقع در ساوه زندگی می‌کردیم. در روزیم گذشته خانها ما را برزور بیرون کردند. یکی از خانها امام جمعه تهران بود. دامهایمان را از بین بردند و بهایانها را برای خودشان برداشتند. این کاروانسرا متعلق بهسرهنگ "امیرخان مظفر" بود. او اصلا به تعمیر کاروانسرا کاری نداشت. این کاروانسرا بیست سال است که همین صورت مانده است. صاحب کاروانسرا فقط

ماهی یکصدتومان می‌گردد. بقیه کارهای عملی (کارگری) خیلی سخت است، زیرا با گران بودن دروغ، حتی آب و برق هم زندگی ما خلاصه با این پول نمی‌شود گذران زندگی کرد. بخصوص حالا که کار آجرپزی است و مشتری ندارد و فروش آن کم است اگر بکارگردم، دیگر نمی‌توانم شکم زن و بچه‌ام را سیر کنم. الان ۱۲ سال است که کارگری می‌کنم. من زمین دارم، اما چون امکانات کافی در اختیار ندارم، همچنین پولی برای خرید تلمبه و بذر و کود در اختیار ندارم، بخاطر همین مجبورم که کار آجرپزی بکنم. البته در زمستان غله هم می‌کارم، تا کمک خرجم باشد. ماهی ۱۵۰۰ تومان حقوق می‌گرفتم، که بعد از انقلاب ۱۶۰۰ تومان شده است. نداشتن دکتر و درمانگاه مشکل بزرگ دیگرما است. مثلا اگر یک شب بچه‌ام مریض شد، چون وسیله‌ای ندارم که او را به درمانگاه بفرستم، مجبورم از شب تا صبح صبر کنم، و آن وقت اگر وسیله‌ای پیدا شود، او را به دکتر برسانم. در غیر این صورت مریض باید بمیرد."

مشکلات کارگران آجرپزی "گورک" بازتابی است از تمام کوره‌های آجرپزی در سطح کشور. هنوز پس از گذشت یکسال و نیم، نور انقلاب در کوره‌ها نتاییده است.

مشکلات کارگران آجرپزی "گورک" بازتابی است از تمام کوره‌های آجرپزی در سطح کشور. هنوز پس از گذشت یکسال و نیم، نور انقلاب در کوره‌ها نتاییده است.

ماهی یکصدتومان می‌گردد. بقیه کارهای عملی (کارگری) خیلی سخت است، زیرا با گران بودن دروغ، حتی آب و برق هم زندگی ما خلاصه با این پول نمی‌شود گذران زندگی کرد. بخصوص حالا که کار آجرپزی است و مشتری ندارد و فروش آن کم است اگر بکارگردم، دیگر نمی‌توانم شکم زن و بچه‌ام را سیر کنم. الان ۱۲ سال است که کارگری می‌کنم. من زمین دارم، اما چون امکانات کافی در اختیار ندارم، همچنین پولی برای خرید تلمبه و بذر و کود در اختیار ندارم، بخاطر همین مجبورم که کار آجرپزی بکنم. البته در زمستان غله هم می‌کارم، تا کمک خرجم باشد. ماهی ۱۵۰۰ تومان حقوق می‌گرفتم، که بعد از انقلاب ۱۶۰۰ تومان شده است. نداشتن دکتر و درمانگاه مشکل بزرگ دیگرما است. مثلا اگر یک شب بچه‌ام مریض شد، چون وسیله‌ای ندارم که او را به درمانگاه بفرستم، مجبورم از شب تا صبح صبر کنم، و آن وقت اگر وسیله‌ای پیدا شود، او را به دکتر برسانم. در غیر این صورت مریض باید بمیرد."

مشکلات کارگران آجرپزی "گورک" بازتابی است از تمام کوره‌های آجرپزی در سطح کشور. هنوز پس از گذشت یکسال و نیم، نور انقلاب در کوره‌ها نتاییده است.

مشکلات کارگران آجرپزی "گورک" بازتابی است از تمام کوره‌های آجرپزی در سطح کشور. هنوز پس از گذشت یکسال و نیم، نور انقلاب در کوره‌ها نتاییده است.

مشکلات کارگران آجرپزی "گورک" بازتابی است از تمام کوره‌های آجرپزی در سطح کشور. هنوز پس از گذشت یکسال و نیم، نور انقلاب در کوره‌ها نتاییده است.



اینجا گاوداری است که مجاور آلونک‌هاست.

نمی‌توانم فقط اگر کسی صدمه‌ای در عین کار دیدم، او را به بیمارستان می‌برند. شبها جایی برای استراحت نداریم. بعد از چندین سال کار، هنوز شب‌ها کنار خیابان می‌خوابیم. علاوه بر کارگران، تعدادی بارشمار و نگهبان که اکثر آنها جوانان دیلمه و بیکار هستند، با روزی ۲۰ تومان مزد، در کشتی‌ها کار می‌کنند و هیچ گونه امکاناتی برای استراحت ندارند. از عمده ترین و دانشی ترین مشکلات باراندازان، مسائل ایمنی است زیرا خطرانی از قبیل سقوط بار، برخورد بار و قلاب، حان حامل بار و ریزش بار، برخورد بار و قلاب، حان کارگران را تهدید می‌کند. و چه بسازند کارگرنی که جان و با عضوی از خود را در این موارد از دست داده‌اند.

خواست اساسی کارگران استخدام دولتی کوتاه کردن دست پیمانکاران از دسترس آنهاست. خواستهای دیگر کارگران ایجاد تسهیلاتی در سوره کارشان، از قبیل تالیق احترام، نصب شورهای آب، محلی برای تالیق احترام، نصب شورهای رسیدگی بیشتر مسئولین به بیمه خدمات درمانی و بهداشتی از طرف اداره، بندر است.

### دست پیمانکاران از دسترنج باراندازان کوتاه

کالاهای دولتی نیز عده‌ای از باراندازان بصورت روزی-مزدی برای پیمانکارها کار می‌کنند. مزد روزانه آنها در مواقع کار ۱۰۰ تومان است. کار آنها در دوشیفت ۲ صبح تا ۳ بعد از ظهر و ۳ شب است. کارگران بارانداز در زمان طاموت سندیکایی طاعتی داشتند، که هم اکنون به علت تجدید نشدن انتصابات سندیکایی، ماه‌هاست که منحل شده. گروهی از کارگران بارانداز، که هستند بوده‌اند و از اهالی روستاهای اطراف کارزور، کسند، کرساره، کارخود و مکتلاشان چنین می‌گویند:

بعضی از آنها می‌گویند: "ما در این کاروانسرا کار می‌کنیم. کار ما بیشتر است. به هر صبحی مجبور به کار در بنا در هشتم. فعلا برای پیمانکارها کار می‌کنیم. شکر تری ۱۵ تومان و بارنجه تری ۱۲ تومان تخم می‌کنیم. عده‌ای از ما انبارهای کشتی و عده‌ای هم روی تریلرها و کامیون‌ها کبسه‌ها را صاف می‌دهیم. الان به خاطر نبودن تریلر و کامیون بیکاریم. صبح تا حالا حدود ۶۰ تن بار خالی کرده‌ام. اگر بارکشی‌ها بیایند، کار ما بیشتر است. به هر صبحی

باراندازان بوشهر با کارروزان طاقت فرسا و سنگین و با حقوق کم، در استعمار شدید کارفرماها هستند و از نظر وسایل ایمنی و رفاهی نیز دچار کمبودند. با برنامه‌های فوری و قاطع باید در جهت رفاه باراندازان کوشید. رزم و ایست و سرنگون شده پهلوی، که زیر نظر سیاست‌های استعماری و چهارلنگانه امپریالیستی ایران را بازار کالاهای مصرفی و بنجل و غیر ضروری کرده بود. نعتیبا با این عمل اقتصاد کشور را روزه تباهی سوق داد، بلکه وسیله‌ای شد برای هرجه بیشتر استعمار شدن کارگران ایران، منجمله کارگران بارانداز کارگرانی که جان و هستی خود را واقف کار در کشتی‌ها کرده بودند، ولی نمره کارشان توسط محدودی بارانداران و نمایندگان خطوط کشتیرانی‌های امپریالیستی به پنا می‌رفت. هموم وسیع کشتی‌های برپار و سودآور باعث شد کشتی چند از این سرمایه‌داران وابسته، بدون هیچ گونه سرمایه‌گذاری، شرکت تخلیه و بارگیری را به پشت برسانند و غارتگری دسترنج کارگران بارانداز را شکل رسمی ببینند.



گذری به دهات اطراف اراک

در بخش «بزچلو» با سه روستا و مشکلات دهقانان آنها،

روستای جعفرآباد در شمال اراک، در بخش «بزچلو» واقع است. در این روستا قبل از ۱۵ خابور میزیستند. که بر اثر عدم وجود ابتدائی ترسین امکانات رفاهی، روستا ترک کرده اند. جعفرآباد فاقد مدرسه، حمام و... است. یکی از زحمتکشان این روستا در صحبت با ما میگوید:

«در جعفرآباد زمین زراعتی زیاد داریم (در حدود ۲۰۰ هکتار) ولی آب و برق نداریم، و این مشکل عمده ما است. اگر دولت بیاورد ما کمترین زمین را نمیفروشیم و این مشکل را حل نمیشود. ما در این روستا مدرسه نداریم. من ۷ تانکس دارم، که هیچکدام سواد ندارند. پارسان میزبوندلی و بخاری برای مدرسه آورده اند، که معلم نماند و میزبوندلی را برگرداندند.»

وی در ادامه صحبتهایش میگوید: «برای گرفتن وام به بانک کشاورزی رفتم، ولی در آنجا هر بار به بهانه های آنرا چند روز بعد موقوف کردند و سرانجام رئیس بانک گفت: «آقا پول نیست نمیره، مابول نداریم که شما بدهیم.» و این در حالی است که مقامات مسئول به یک نفر سرمایه دار، که صاحب یک شرکت رامسازی (درموالی محلات) است، ۲ میلیون تومان وام داده است. آیا این انصاف است که برای سرمایه داران پول باشد، ولی برای کشاورزان نباشد؟»

وی درباره وضع محمول جعفرآباد با اندوه میگوید: «در ۳ سال پیش ما ۹۰ خوار گندم به خانه آوردیم، در حالیکه پارسان و اسال هیچی و در خانه با درد اضافه میکند.»

در این جا ما هیچ وسائل آسایش نداریم و به همین دلیل در این روستا جمعیتی خیلی کم زندگی میکنند. ما برای حمام کردن مجبوریم به «خان آباد» برویم و تازه زمستانها به علت بسته شدن راهها از همین نیز محرومیم.»

حالا سببیم وضع خود این «خان آباد» چگونه است، که بخاطر «تاسیسات رفاهی!» اش، جعفر آباد به آنجا میروند:

«روستای خان آباد از بخش «بزچلو» در ۸۰ کیلومتری اراک قرار دارد. در خان آباد ۱۲۰ خانوار زندگی میکنند، که ۱۵ خانوار آن خوش نشین هستند. خوش نشینان خان آباد اکثرا برای عملگی به شهرها روستا میروند. روستای خان آباد در ناحیه کوهستانی واقع است.»

یکی از روستائیان اطراف درباره خان آباد چنین میگوید: «اگر ما برای خاک زندگی میکنیم، آنجا روستا زندگی میکنند.»

در خان آباد هم مشکل عمده دهقانان کمبود آب و برق است. یکی از اهالی ده میگوید: «در خان آباد، برق، آب آشامیدنی، جاده، درمانگاه وجود ندارد.»

بچه های خان آباد برای تحصیل مجبورند به دهات اطراف بروند و پیمانان برای مداوا مجبورند تا ملاجره بیاورند. خان آباد هنوز هم خام خزینه های دارد، که بقول یکی از روستائیان، اصلا بهداشتی نیست. دولت اخیراً ۲۰ هزار تومان برای تاسیس یک مدرسه در خان آباد پرداخته است. خان آباد نیز دارای شورا است. ولی تاکنون موفق نشده

کاری انجام دهد. از یکی از اهالی ده می پرسیم که: چه انتظاری از دولت دارید؟ وی میگوید:

«بنظر ما در زمان طاغوت به روستاها هیچ توجهی نمیشد و الان وظیفه دولت است که به درد ما رسیدگی کند. شاید شما متوجه نمیشد که ما هنوز زدنان-ها با ما کار داریم میکنیم.» این بود وضع «خان آباد»، که تازه حمام ندارد و جعفرآباد به برای شستشو به اینجا می آیند. این خوب پیدا است که این ده نیز از محسوس وجود «خان» خراب است و تاسیسات خانها وجود ندارد و ناخوشنشینها، بی زمین هستند و اکثر دهقانان، کم زمین، «زین ده» ویران دهشت صدهزار، کذری به دهه فامین بکنیم که خوش نشین-های بی زمین در آنجا بیش از یک چهارم اهالی را تشکیل میدهند:

«روستای فامین از بخش «بزچلو» تقریباً ۹۰ کیلومتری اراک قرار دارد. این روستا ۱۲۰۰ نفر جمعیت دارد، که شامل ۱۶۰ خانوار است. خوش نشینان روستا در حدود ۴۵ خانوارند. خوش نشینان فامین در وضع بسیار بدی زندگی میکنند و تاکنون هیچ گونه اقدام برای بهبود وضع آنان از طرف دولت صورت نگرفته است. خوش نشینان ده برای عاشی زندگی مجبورند به کارگری در اراک و تهران بروند.»

از یکی از خوش نشینان می پرسیم که: دولت انقلاب برای شما چکار باید بکند؟ روستائی با چهره ای غمگین، که حاکی از گرانای درونی است، دوستانه اصلی: «زمین و آب را مطرح میکند و میگوید: «آقای عزیز، کسی که کار کرده داشته باشد، به شهر میبرد. دولت باید روی زمینهای بایر موقوفه آب بزند و زمین به خوش نشینان بدهد. ما هنوز یک تکه زمین نداریم که بکاریم. اگر اینها درست شود، دیگر کسی به شهر برای کار نمیروند.»

خوش نشین دیگری میگوید: «من بایک خانواده ۵ نفری هیچ چیز ندارم، ۱۲۲ ماه سال ۱۰۰ تومان هم درآمد ندارم.»

وی سپس ادامه میدهد: «اکثریت خوش نشینان بیگانه دولت و دولت در روستاها برایشان کارفرما هم نیستند. دولت باید در روستاها مرغداری و دامپروری درست کند، که ما در آنجا کار کنیم.» از جماع روستائیان همی میگوید: «روستائیان حمام نیمه تاسی را نشان میدهند و یکی میگوید: «چهار سال زندگی ۷۰ هزار تومان بیاورد کرد و ما هم هر چه داشتیم خرج کردیم، ولی فعلا به علت نداشتن پول، حمام نیمه کاره مانده و جیب ما هم بوجه ندارد و خود روستائیان هم که عایدی زیادی ندارند که خرج ساختمان حمام کنند. دولت باید به فریاد ما رسیدگی کند. اصلاً درآمد ما خوب نیست و آب ما را فلج کرده است.»

وی سپس میگوید: «الان حمام نداریم و اهالی برای حمام مجبورند به استفندان - دهجاور - بروند، تازه اگر آنها اجازه بدهند که حمام کنند.» درباره جاده می پرسیم. روستائی میگوید: «جاده وضعش خیلی خراب است. زمستانها نمیتوان از ده تکان خورد. وای به حال کسی که بیمار شود...» در روستا نیز برق و درمانگاه بهداشتی و سایر

آشنای شویم

امکانات رفاهی خیری نیست. تنها مدرسه این روستا بر جمعیت فقط دوره ابتدایی دبستان را در بر میگیرد، که اهالی هکی از این بابت ناراحتند. اهالی ده بجز از دولت انتظار دارند که دور مراعاتی در آنجا بکند، تا جمعی از ده مجبور نشوند به «ملاجره» و «استفدان»، که فاصله زیادی دارند. بروند. یکی از روستائیان میگوید:

«اگر امکان ندارد بچه های خودشان را برای تحصیل به شهر بفرستند. از فامین، فقط یک نفر در شهر به ادامه تحصیل مشغول است.» روستائی دیگری، بنام تندعلی رسولی، خود را با ما میسراند و میگوید:

«آقا، دولت باید به فکر خوش نشینان باشد. دولت باید به ملت زحمتکش برسد. به آنها آب و برق، مدرسه و حمام برساند. کاشی هستند که ۲۰ سال از ده رفته اند، ولی زمینشان را اجاره داده اند، و هر سال بوقع می آیند و اجاره را میگیرند. با باید زمینها را از آنها گرفت، یا آنها را بدوری زمینس کار کنند.»

روستای فامین دارای شورای غفزه است، که بقول اهالی، تاکنون نتوانسته است کاری کند. چاه آب برای لوله کشی را کرده اند، ولی هنوز تمام نشده است. روستای فامین شرکت تعاونی دارد، ولی گفته یکی از روستائیان:

«چیزی نی آورده، حتی سیکار هم ما می یکی بیشتر نمیده.» محصولات عمده فامین، گندم، لوبیا، سبب زمینی و جوات است. اصلاً بخت کمی آب محمول خوب نبود. باغات انگور نیز در فامین وجود دارد.

اهالی فامین اکثر از زبان آذربایجانی صحبت میکنند.

در این سر روستای بخش بزچلو اراک، مانند سایر روستاهای ایران، مسئله اساسی، مسئله آب و زمین است، که دولت باید در این زمینه به اقدامات عملی بپردازد و همزمان سبب سائل دیگر تولیدی و معیشتی، که حداقل امکانات زندگی انسانی را فراهم آورد، توجه کند، تا دهات مزبور از صورت ویرانه بدر آید، مهاجرت روستائی قطع شود و تولید کشاورزی رونق پیدا کند.

دهقانان این سر روستا باید از تجربه سایر برادران خود بیاموزند و شوری ده را به یک نهاد فعال و واقعی بدل کنند. شوری ده میتواند با امکانات و اختیاراتی که دارد، از جهاد دوازده ساله، از ادارات دولتی و مقامات مسئول کمکهای لازم برای رفع غناش بگیرد و بسیاری از مشکلات را حل کند. مثلاً وام جمعی برای همه اهالی ده بگیرد و آنرا صرف تولید و احیا کشاورزی برساند، تا در قیاد امر تولید موثر باشد و خرج مصارف روزمره نشود. شورا باید به احداث جاده و مدرسه و حمام و غیره بپردازد. اگر دهقانان آگاه و فعال اتحادیه های خود را برپا دارند، خواهند توانست با اتحاد و همبستگی خود، شوری ده مردمی بوجود آورند. آنرا فعال کنند، مسائل و خواستهای آنها را اولویت تنظیم کنند و از شورای ده خواهند که در این زمینه فعالیت کنند و خود دهقانان را نیز برای عمل کردن و خودداری بسیج نمایند.

روستای باقرآباد را دریابید

در ۳۰ کیلومتری شهرستان ساوه و به فاصله ۱۰ کیلومتر از جاده قم - ساوه، روستای باقرآباد قرار دارد. در این روستا ۱۳۰ خانوار (حدود ۶۰۰ نفر) زندگی می کنند. ظلم و تجاوز به حقوق دهقانان - توسط ارباب، اکثر مردم ده را روانه شهرها کرده اند. باقرآباد، مدرسه ای ندارد، که به گفته یکی از دانش آموزان، با ریش هر پسران، از سقف آب سرازیر می شود. او میگوید که این مدرسه احتیاج به بازسازی دارد. این روستا مدرسه راهنمایی ندارد، حمام غیر بهداشتی ده، دوش ندارد. جاده من برزی شده ندارد. در باقرآباد حدود ۶۰۰ هکتار زمین زیر کشت است. با همساری مردم ۱۳۰ خانوار حدود ۲۰۰۰ تومان (آب لوله کشی در سطح ده ایجاد خدمات. در این روستا شورا وجود ندارد.

با یکی از اهالی باقرآباد، که دل بر خوبی از ارباب دارد، صحبت می کنیم. وی میگوید: «بهترین زمینها متعلق به یک مالک است. او حتی آب را بر روی مردم باقرآباد بست و ما را در تنگنا قرار داد، تا جایی که از ۱۳۰ خانوار، فقط دو خانوار در ده ماندند، که حالا کم کم مردم برگشته اند و الان ۴۸ خانوار روی زمین کار می کنند. بعد از - انقلاب، مالک باقرآباد با مالک خرابی علی آباد متحد شدند و به آزار دهقانان پرداختند.»

او ادامه می دهد: «سالهاست که بر علیه ارباب مبارز می کنیم. سال ۴۷ در اینجا دیماه حکومت نظامی بود. ۱۲۰ نفر را دو ماه و یکروز زندان بردند. دو هفته پیش از طرف پاسگاه بدون مجوز آمدند. مردم دیگر از ترس و تنگ نمی ترسند. پاسدارها تا به حال هم با کمکهای کرده اند. آنها افرادی مالک ده را دستگیر کردند.»

وی در ادامه صحبت هایش میگوید: «هیبت هفت نفری به باقرآباد آمده است و اصلاً قرار شد از درآمد محصول، یک سهم برای مالک، یک سهم برای رعیت و یک سهم هم برای تهیه کود و موتور و دستبند در نظر گرفته شود. مردم فرش و سائل دیگرشان را فروختند، تا بتوانند زمینها را بکارند. انشاء الله زمینها تقسیم می شود.»

اگر امام یا آیت الله خلغالی جواب این اربابها و عوامل آنها را ندهند، خدای ناگردد ما اینجا بدر از گردستان می شویم. ما بیشتر روی زمینها از علیه ارباب تظاهرات می کنیم. بلندگوی ما خرده است. از سی علیه این اربابها تظاهرات کردیم. ما از ده گاه انقلاب اسلامی قم می خواهیم که داد ما را از این ضد انقلابها بگیرد.

وضع این ده نشان می دهد که تا چه اندازه - اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی و عمل موری و واقع هیبت هفت نفری امری ضروری و به سود انقلاب و دهقانان زحمتکش سپهتان است. مالک باید بداند که دیگر دور، دور او نیست و دوران انقلاب است.

انقلاب مستقیم [دیگر مالک غارتگر و ستم پنه در روستا هیچ جانی ندارد. چه رسد به سهم برای از حاصل دسترنج دهقانان، که مستضعفان واقعی در روستا هستند. و این هم آخرین سهمی است که - دهقانان به خاطر انقلاب و لحظه حساس سر نوشت کشور بدان رضایت دادند.

تعلق زمین و محصول به خود دهقانان مانع از مهاجرت دهقانان به شهرها می شود. تولید را بالا می برد و زندگی بهتری را برای روستائیان به همراه می آورد. به علاوه دولت انقلابیست که عوارض - های رفاهی اهالی این روستا مانند: ایجاد جاده شن برزی شده، حمام، درمانگاه و... نیز توجه جدی کند.

شکجه گران دهقانان

... امروز دیگر هیچ شکجه گر ساوکی نیست که شناخته شده و در دسترس مردم باشد از مجازات صون بماند. اما با تالیف فراوان در همین کشور شکجه گران جلادی هستند که چون تنبیس کارند رسمی ساوکی نبوده اند و کسانی را که شکجه کردند اند نام زندانی سیاسی بر خود نداشته اند. هیچ مقام و برمی تاکنون برای آنها ترفه و تائین تاریخ از مجازات صون نمانند!!

این شکجه گران سنگ دل همان «خان» های هستند که تنها دسترنج و محصول کار روستائیان محروم را طی دهها سال مورد تجاوز قرار دادند. بلکه خان و سلاطین، ظرف شکجه های آزادی فردی آن بی پناهان نیز از دست آن شدادان تاریخ صونیت نداشت.

ملت شریف و قهرمان ایران! همان گونه که شما میدانید بدنبال سیانات امام است در این مورد که «ملت ایران خان گرفته است» برادران عباد ساز زندگی در استان فارس فیلم هایی تحت عنوان خان گرفته تهیه کردند که در آن نسونه های کوچکی از جنابان و ستم های فراوانی را که از خانها بر روستائیان محروم این سامان رفته است از زبلس خود آن بی پناهان بازگو شده است. در این فیلمها که بوسله تلویزیون سراسری پخش گردید، مشت از خروارها سنی که در همه ایران بران محرومان اعمال میگردد، نمکس بود. از ضربات شلاق ها گرفته تا نابینا کردن آنان، از سوزاندن بدن روستائیان گرفته تا ترساندن انگشتان و کشتن دست آنها، از قطع کردن دست و پا و نافی المصو کردن آنها گرفته تا تحسین گردنشان در طوبیلهما و در داخل جامها و فرار دادن آنها در زیر برف و یخ در سرمای زمستان و شکجه های گوناگون دیگر که مشابه آنها تنها در تنگنای ساوکی سابقه دارد ولی ناین - حال آبا تاکنون کسی در صدد برآمد تا این شکجه گران بانام و نشان را تعقیب کرده و مجازات نماید؟! (اطلاعات - ۱۸ شهریور ۵۹)

راه حل لیبرالها برای «مسئله گروگانها» به وابستگی ایران به امپریالیسم منجر خواهد شد

طرح فضا به این صورت که با گروگانها چه باید کرد از ریشه و اساس انحرافی و غلط است و بسرای روشن شدن ماهیت سوال و پاسخ آن بجای مطرح کنیم با انقلاب اسلامی ایران چه باید کرد؟ و انقلاب اسلامی ایران به کجا باید برود؟ و برای رسیدن به هدفهای خود چه اصول و سندها و شیوه های را باید تعقیب نماید؟ بسته به اینکه به این سوال چگونه پاسخ دهم جوابان درباره سرنوشت گروگانها بسیار روشن خواهد شد و گرنه طرح فضا گروگانها در حال تجرید و بریده از سرنوشت آینده انقلاب اسلامی قطعاً انحرافی است و نتایج و عواقب شومی بسیار خواهد آورد. انقلاب اسلامی ایران دوره بیشتر در پستی پای خود ندارد و بر همین اساس هم سرنوشت گروگانها از دو حال خارج نخواهد بود.

راه اول - (راه حل لیبرالها) امپریالیسم امریکا با دست یافتن به پایگاههای جدیدی در منطقه خاورمیانه از بربره و مسیر در میان بحرین و مصر و کنیا و روابط بسیار نزدیک و گرم با عربستان سعودی و عراق و کویت و شیخ نشین های خلیج فارس قدرت فائق است در منطقه اقتصاد و سیاست و نیروهای نظامی منطقه را در دست دارد. سیردهای ارزی ما را محدود و راکه نموده است با همکاری ژاپن و اروپا ما را با محاصره اقتصادی حتمی مواجه ساخته ذخیره های ارزی ما در حال تمام شدن است و ما در صحنه سیاست بین المللی به انزوا و گوشه گیری محکوم شدیم. در داخل تولید صنعتی به علت کارکنی های شوراها در سطح نازلی است قشر متوسط این گرفته با دلارهای نفتی ناراحت و غمگین از کمبود بعضی از مواد مورد نیاز به سئوه آمده است. امریکا در گوشه و کنار ایران در گردن و مرمزهای عراق و در خوزستان و جنوب دست اندر کار تحرکات و توطئه های جدیدی می باشد و مردم در نهایت تحمل دراز مدت چنین شرایطی را ندارند. این در مجموع سلف و استدلال طرفداران راه و شیوه اول برای انقلاب اسلامی ایران است.

مجموعه نقطه نظرهای... پادشاه که در شکل ها و بیانه های مختلف از سوی هواداران راه اول ارائه

در مطبوعات کشور

برون مرزی و انحلال و افتتاحی در جامعه و اقتصاد و سیاست و روابط بین المللی اعمال خواهند نمود که اقتضای طبیعت سرمایه داری جهانی و امپریالیسم جز این نمی تواند باشد و بر همین سبب نتیجه میگیرند که قدم در راهی گذاشته اند که پلهای آن در قلهای همان همگی شکستند و جز مقاومت و مبارزه و تدوام انقلاب راهی پیش پای خود ندارند که در فریاد بصورت مسا نابود و مضمحل خواهیم شد و می گویند اگر از مسا سوال کنید که با گروگانهای جاسوس امریکائی چه کنیم؟ قبل از پاسخ به این سوال بشما خواهیم گفت که انقلاب اسلامی ایران بکجا باید برود و حال اگر با این دیدگاهها... بر سریده شود که با گروگانهای جاسوس چه باید کرد... خواهیم گفت هم چنان که امام و توده ما معتقدند باید همه آنها را که به خلاف مصالح و منافع و ارزشهای خلق ما و دیگر خلقهای منطقه جاسوسی کرده و در پی برپائی دسمونوتیست بوده اند باید به سزای محاکمه امپریالیسم امریکائی دادگاه خلق حاضر شوند. در این دادگاه باید ماهیت جنایتکار و سوداگر امپریالیسم امریکا برای همه خلق های جهان و بخصوص منطقه در دسترس کشیده خاورمیانه و آمریکا و آمریکا را نشان داد. این دادگاه باید صحنه محاکمه سرمایه داران و صونیت های تجاوزکار و سردمداران کارتلها و تراستها و پنتاگون و گنج سعید نشینها باشد و در تاریخ مستضعفین ثبت شود که چه جنایات وحشتناک و هولناکی بر آنها رفته و این است تنها پاسخی که می توان به این سوال داد.

(است - ۱۹ شهریور ۵۹)

تأمین کار برای کارگران  
میگاز، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است



# محدودیت خروج ارز تحصیلی - اقدامی لازم، ولی ناکافی

# یادداشتی بر نمایشگاه نقاشی دیواری مکزیک - درموزه هنرهای معاصر تهران: اوج پیوند هنر با مردم

سازمان امور دانشجویان کشور، اخیراً طی اطلاعیهای شرایط و ضوابط صدور ارز تحصیلی برای دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا را اعلام کرده است. بطوری که آمار موجود نشان می دهد، در حال حاضر بیش از ۵۰ هزار نفر از دانشجویان ایرانی در دانشگاههای مختلف آمریکا سرگرم تحصیل هستند و برای تأمین مخارج تحصیل و زندگی این دانشجویان همه ساله حدود ۲/۵ میلیارد دلار ارز از کشور خارج می شود. این رقم هفتگت بررسی دقیقتر و همبسته جنبه های دیگری را در مورد چگونگی خروج ارز بدین طریق لازم می سازد. در ارتباط با همین مسئله، لزوم تصمیم گیری سازمان امور دانشجویان را مورد بررسی قرار میدهیم.

طبق این تصمیم، از ابتدای مهرماه آینده، کلیه پرونده های ارزی قبلی دانشجویان از درجه اعتبار ساقط خواهد بود و گواهی خروج ارز برای دانشجویان در ۲ نوبت در سال، و هر نوبت برای ۶ ماه صادر می شود. این تصمیم شامل کلیه دانشجویانی است که در آمریکا به تحصیل مشغولند و از اول مهرماه ۱۳۵۹ به بعد نقضای دریافت ارز تحصیلی دارند. همچنین اعلام شده است که دانشجویان مقیم آمریکا، که خواهان دریافت ارز تحصیلی هستند، بایستی با تشکیل پرونده های جدید ارزی، تقاضای نامهای جدید خود را تنظیم کنند. بر طبق این تصمیم تنها دانشجویانی خواهند توانست ارز تحصیلی دریافت کنند که اولاً، در رشته های تحصیلی مشغول تحصیل باشند، ثانیاً، در دانشگاه یا مؤسسه تحصیلی که از نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی معتبر باشد، به تحصیل اشتغال داشته باشند. ثالثاً به طور تمام وقت به تحصیل بپردازند.

قبل از هر چیز باید گفت که تصمیم جدید سازمان امور دانشجویان کشور، که سلماً ناشی از خروج بی بندوبار و بی تعدد ارز از کشور است، بخصوص خود محدودیتهایی را در این جهت اعمال می کند، و از این جهت مثبت و قابل تأیید است، لیکن مسئلهای که باقی می ماند، حل نکردن بنیادی مسئله خروج ارز تحصیلی از کشور است. در این زمینه تصمیم جدید سازمان امور دانشجویان کشور را محل بنیادی ارائه نمی دهد و تنها به اعمال محدودیتهایی قنات می کند.

همانطور که گفتیم برای حدود ۵۰ هزار دانشجوی ایرانی، که در آمریکا به تحصیل مشغولند، سالانه حدود ۲/۵ میلیارد دلار ارز از کشور خارج می شود. در این مورد اولین سوالی که بوجود می آید، اینست که چرا چنین مقدار عظیمی از ثروت کشور باید به خارج صادر شود؟ هدف از این کار چیست؟ روشن است که باید مصالح انقلاب به عنوان روشن ترین مبرم تصمیم گیری در نظر گرفته شود و سپس به این سوالات پاسخ گفته شود. از این دیدگاه، تنها توجیهی که برای خروج این مقدار عظیم ارز از کشور می تواند مطرح شود، لزوم کسب تعمیم و مهارت های فنی توسط دانشجویان در جهت کمک به رشد صنایع و کشاورزی ایران، به منظور تحکیم استقلال اقتصادی و سیاسی ایران است، به روشنی دیده می شود که حضور ۵۰ هزار دانشجوی ایرانی در آمریکا بطور عمده به پیچیده در این جهت نیست، زیرا که اولاً، عده زیادی از این دانشجویان در رشته های غیر ضروری برای احتیاجات کشور مشغول به تحصیلند. ثانیاً فرستادن این دانشجویان بر طبق ارزیابی صحیح و دقیق از احتیاجات مانده است، ثالثاً کسب تعمیم و مهارت دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا، متناسباً به طور موثر در جهت رشد و گسترش دستاوردهای انقلاب کام برینی دارند، بلکه بایستی تفاوتها و وسایلی علیه انقلاب نزدیک است به عمل می زنند. تظاهرات اخیر گروهی از دانشجویان ایرانی در آمریکا که دلبرانه به افتخار توطئه های امپریالیسم جنایتکار آمریکا علیه انقلاب ایران پرداختند، بخوبی این مسئله را روشن کرد. تعداد قلیل شرکت کنندگان در این تظاهرات تورانگیز، در قیاس با ۵۰ هزار دانشجوی ایرانی در آمریکا، بیانگر ضعف این مطلب است.

امروزه هرگاه به بررسی وضع خانواده گسی و وضعیت این دانشجویان بپردازیم، می بینیم که اکثریت آنها از خانواده های مرفه و ثروتمند هستند و

قبل از هر چیز باید گفت که تصمیم جدید سازمان امور دانشجویان کشور، که سلماً ناشی از خروج بی بندوبار و بی تعدد ارز از کشور است، بخصوص خود محدودیتهایی را در این جهت اعمال می کند، و از این جهت مثبت و قابل تأیید است، لیکن مسئلهای که باقی می ماند، حل نکردن بنیادی مسئله خروج ارز تحصیلی از کشور است. در این زمینه تصمیم جدید سازمان امور دانشجویان کشور را محل بنیادی ارائه نمی دهد و تنها به اعمال محدودیتهایی قنات می کند.

همانطور که گفتیم برای حدود ۵۰ هزار دانشجوی ایرانی، که در آمریکا به تحصیل مشغولند، سالانه حدود ۲/۵ میلیارد دلار ارز از کشور خارج می شود. در این مورد اولین سوالی که بوجود می آید، اینست که چرا چنین مقدار عظیمی از ثروت کشور باید به خارج صادر شود؟ هدف از این کار چیست؟ روشن است که باید مصالح انقلاب به عنوان روشن ترین مبرم تصمیم گیری در نظر گرفته شود و سپس به این سوالات پاسخ گفته شود. از این دیدگاه، تنها توجیهی که برای خروج این مقدار عظیم ارز از کشور می تواند مطرح شود، لزوم کسب تعمیم و مهارت های فنی توسط دانشجویان در جهت کمک به رشد صنایع و کشاورزی ایران، به منظور تحکیم استقلال اقتصادی و سیاسی ایران است، به روشنی دیده می شود که حضور ۵۰ هزار دانشجوی ایرانی در آمریکا بطور عمده به پیچیده در این جهت نیست، زیرا که اولاً، عده زیادی از این دانشجویان در رشته های غیر ضروری برای احتیاجات کشور مشغول به تحصیلند. ثانیاً فرستادن این دانشجویان بر طبق ارزیابی صحیح و دقیق از احتیاجات مانده است، ثالثاً کسب تعمیم و مهارت دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا، متناسباً به طور موثر در جهت رشد و گسترش دستاوردهای انقلاب کام برینی دارند، بلکه بایستی تفاوتها و وسایلی علیه انقلاب نزدیک است به عمل می زنند. تظاهرات اخیر گروهی از دانشجویان ایرانی در آمریکا که دلبرانه به افتخار توطئه های امپریالیسم جنایتکار آمریکا علیه انقلاب ایران پرداختند، بخوبی این مسئله را روشن کرد. تعداد قلیل شرکت کنندگان در این تظاهرات تورانگیز، در قیاس با ۵۰ هزار دانشجوی ایرانی در آمریکا، بیانگر ضعف این مطلب است.

به تنها چیزی که می اندیشند، زندگی و رفاه شخصی خودشان است. از اینرو متوجه می شویم که حدود ۲/۵ میلیارد دلاری که سالانه از ثروت توده های زحمتکش ما به دبار شیطان بزرگ آمریکای جهانخواه ارسال می شود، در کل خود نفعی سودی برای مستضعفین ایران ندارد، بلکه در مواردی حتی به ضرر مصالح انقلاب از آن استفاده می شود. این مطلب وقتی واضح تر درک می شود که بدانیم، اکثر کسانی که به خرج همین مردم در آمریکا و کشورهای اروپای غربی به تحصیل فنون و تخصص می پردازند، به کشورهای بازمی گردند و در نتیجه به خدمت توده های محروم صحن ما در نمی آیند. به همه اینها تأثیر مخرب فرهنگ منحط سرمایه داری بر اندیشه های این افراد را باید افزود. تأثیرات مخربی که به گفته تمامی مقامات جمهوری اسلامی ایران ضربه های هولناکی به پیگر انقلاب ایران وارد می آورد، خال با توجه به تمامی این مطالب، باز این سوال مطرح می شود که اگر بخش عمده این دانشجویان از میان طبقات مرفه برخاسته اند و اکثریت خودشان دیدوشاختی از انقلاب و مصالح توده های شرکت کننده در آن ندارند، اگر تحصیل آنها در دانشگاه های آمریکا و کشورهای اروپای غربی در جهت برآوردن نیازهای اقتصادی ایرانی مستقل و آزاد نیست، اگر نحوه تعلیم و تربیت در کشورهای امپریالیستی بطور عمده در جهت برآوردن تخمین وابسته با اندیشه های آلوده به فرهنگ منحط سرمایه داری است، و سرانجام اگر با توجه به اقتصاد فاسد ایران خروج ارز از کشور بایستی مساوی دقت تمام و هوشتاری کامل صورت گیرد، پس چرا هیچ فکر جدی در این مورد نشده و اقدامی قاطع برای حل این مسئله به عمل نیامده است؟

همانطور که گفتیم تصمیمات جدید سازمان امور دانشجویان کشور خود تا حدودی نشان دهنده توجه مسئولین کشوری به این مسائل است، اما تا فاصله به پیچیده ساله را بطور بنیادی حل نمیکند، خروج ارز تحصیلی از کشور باید تابع مصالح انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما باشد، اگر چه تخمین کار از بوده و ما هر احتیاج داریم (که احتمالاً هم داریم) باید توجه داشته باشیم که اولاً، چه افرادی و با چه شخصاتی برای آموزش فن و حرفه علم، به خارج اعزام می شوند، افرادی وابسته به خانواده های مرفه، که طبقات درک محدود طبقاتشان در بهترین حالت قادر به سنجش ابعاد عظیم انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما نیست و با افرادی وابسته به زحمتکشان و توده های مستضعف؟

ثانیاً، این افراد در رابطه با چه حرفه و فن خاصی، که اکنون نیاز انقلاب ما در جهت تأمین استقلال اقتصادی ایران می طلبد، به خارج اعزام می شوند؟

ثالثاً، این افراد به کدام کشور اعزام میشوند؟ آیا امپریالیستها که با تمام قوای خود برای درهم کوبیدن انقلاب ما بسیج شده اند و از هیچ توطئه و تحریرگی برای نابودی جمهوری اسلامی ایران خودداری نمی کنند، می توانند با کمال "خبرخواهی" به تربیت مستضعفین و "افراد ماهر" برای کشور ما بپردازند؟ آنهایی که جمهوری اسلامی ایران را تحریم اقتصادی می کنند، به این مرزوبوم تجاوز نظامی می کنند و مزدورانشان را برای به امتصاب کشاندن و ایجاد هرج و مرج و سرانجام به تعطیلی کشاندن کارخانه ها و صنایع کشور، بسیج می کنند، می توانند برای سرافرازی و خودکفا کردن همین صنایع برای مسای شخصی و کارشناس تربیت کنند؟ روشن است که آنها اینکار را نمیکنند. آنها اگر تخصص تربیت کنند، برای خدمت به انحصارات بزرگ غارتگر، برای کمک به دستگاه های عظیم جاسوسی، برای بازی به پنتاگون و سیا است و نه برای کمک به استقلال کشورها و آموختن "طرز اداره" حکومت های ملی "به آنان. ما توجه به این مطالب، ما از مسئولین سازمان امور دانشجویان کشور خواهیم که اقدام لازم، ولی ناکافی ای را که در جهت محدود کردن خروج ارز تحصیلی به خارج از کشور اتخاذ کرده اند، با بررسی دقیق و همه جانبه نیازهای اقتصادی کشور و مصالح انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران کامل کنند و تصمیمات قاطع، مطابق با این نیازها، برای حفظ منابع ارزی کشور اتخاذ نمایند.

موزه هنرهای معاصر تهران یکی از گالری های متعدد خود را به معرفی نقاشی دیواری مکزیک اختصاص داده است. کارهای هنرمندان این موزه یکی از بهترین و بزرگترین نمایشگاه جنبش مورالیستی - نقاشی دیواری مکزیک یعنی سیکوشیرویس، اوروزکو و ریورا در این گالری به نمایش گذاشته شده، کارهای عظیم که هر یک تزیین گسترده دیوارهای این و آن مؤسسه، کارخانه و وزارتخانه در مکزیک است.

هنرمند مکزیک از چشمه پاک انقلاب آن کشور آب خورده است. با زتاب تحولات زرفی که جامعه مکزیک را یکسره دگرگون ساخته به با رزترین گونه ای، در نقاشی دیواری مکزیک حضور دارد.

از سوی دیگر، تا شهرتگرف این هنرمند در تسریع آهنگ انقلاب مکزیک نیز انگار تا پذیرا است، دست کم سطح آگاهی توده مردم را ارتقا بخشد. عادی ترین فرد مکزیک، هنگامی که در مقابل سنگر کودتای اوروزکو می ایستد، قنات و بیرحمی و دردی که جنگ را می شناسد، و با زمانی که به "شیردشتگر ریورا" نگاه می کند، در می یابد که تنها درستی جانشانه است که پیروز خواهد شد. مردم مکزیک با سیمای کوبه بورژوازی، به همان گراهی که در تابلوی دیواری "چهارم بورژوازی" سیکوشیروس دیده اند، آشنا هستند. آنها از روی "زاپاتا و اسب سفیدش" اثر ریورا هم زاپاتا، انقلابی روستایی را بیشتر می شناسند و هم با دیکتاتور دیاز دیکتاتور مکزیک - آشنا می شوند.

مردم مکزیک که "فتح" را تجربه کرده اند وقتی در برابر "فتح" ریورا قرار می گیرند چه نشانه های آشنا می بینند؟

به برکت این نقاشی های دیواری است که مردم مکزیک هر روز هنگام رفتن به سرکار،

موزه هنرهای معاصر تهران یکی از گالری های متعدد خود را به معرفی نقاشی دیواری مکزیک اختصاص داده است. کارهای هنرمندان این موزه یکی از بهترین و بزرگترین نمایشگاه جنبش مورالیستی - نقاشی دیواری مکزیک یعنی سیکوشیرویس، اوروزکو و ریورا در این گالری به نمایش گذاشته شده، کارهای عظیم که هر یک تزیین گسترده دیوارهای این و آن مؤسسه، کارخانه و وزارتخانه در مکزیک است.

هنرمند مکزیک از چشمه پاک انقلاب آن کشور آب خورده است. با زتاب تحولات زرفی که جامعه مکزیک را یکسره دگرگون ساخته به با رزترین گونه ای، در نقاشی دیواری مکزیک حضور دارد.

از سوی دیگر، تا شهرتگرف این هنرمند در تسریع آهنگ انقلاب مکزیک نیز انگار تا پذیرا است، دست کم سطح آگاهی توده مردم را ارتقا بخشد. عادی ترین فرد مکزیک، هنگامی که در مقابل سنگر کودتای اوروزکو می ایستد، قنات و بیرحمی و دردی که جنگ را می شناسد، و با زمانی که به "شیردشتگر ریورا" نگاه می کند، در می یابد که تنها درستی جانشانه است که پیروز خواهد شد. مردم مکزیک با سیمای کوبه بورژوازی، به همان گراهی که در تابلوی دیواری "چهارم بورژوازی" سیکوشیروس دیده اند، آشنا هستند. آنها از روی "زاپاتا و اسب سفیدش" اثر ریورا هم زاپاتا، انقلابی روستایی را بیشتر می شناسند و هم با دیکتاتور دیاز دیکتاتور مکزیک - آشنا می شوند.

مردم مکزیک که "فتح" را تجربه کرده اند وقتی در برابر "فتح" ریورا قرار می گیرند چه نشانه های آشنا می بینند؟

به برکت این نقاشی های دیواری است که مردم مکزیک هر روز هنگام رفتن به سرکار،

با عوامل ضد انقلاب، خروج ارز از کشور و... ذکر شده است. شهادتین دادگاه از دادگاه خواسته اند که هرگز زش نکنند و این خیانتکاران به میهن را به سزای اعمال سنگینشان برسانند.

از اتفاقات جالب این دادگان این بود که در یکی از جلسات، وکیل متهمین از ریاست دادگاه خواست که فردی را به جایگاه شهادت فراخواند، شاهد متهمین پس از سلام و تعظیم، به هوا داری از شاهان سنجایی یکی از خوانین متهم سخن گفت. این شاهد کسی جزنا مدارخان، یکی از خان های تحت تعقیب نبود که بلافاصله توسط پاسدارهای حاضر در دادگاه دستگیر شد!

تاریخ کشور خود را مرور می کنند، هر روز قهرمانهای پرشکوهر هم میهنان خود را می ستایند، هر روز خود را با دشمن اصلی - بشریت، امپریالیسم هزارچهره روسیرو می بینند، و می دانند که پیروزی نهائی آنچنان که ریورا تقسیم بخشیده، در رمز اتحاد کارگران - دهقانان و سربازان کشور نهفته است.

بدینگونه است که هنرمند مکزیک هویت ملی خود را در خواستها و آرمان های مردمش می یابد، خواستها و آرمان های شدیداً ضد استعماری و ضد استبدادی. نقاشی دیواری مکزیک اوج هم پیوندی هنر و مردم در بحرانی ترین برهه تاریخ مکزیک است. هنری که به مردم مخاطبش نیرویی سرگرم بخشد، تا در روزم شان علیه هر آنچه مهرستم و بردگی دارد تکبیرا که می مستوی بچینند، و در این میان خودبه آنچنان با لایبی دست یافت که در تاریخ هنرمند سابقه بوده است.

این تجربه موفق و عظیم پیش روی جامعه انقلابی، دست اندرکاران هنری و هنرمندان متعهد ما است. از آنجا که بیان تصویر را از افراد کارهای هنری و رفتن و نقاشی سنتی به پایسه ای برهائیم. نیروی بسجینه و بیکنار جوی که در هنر نهفته است، به راستی شکست انگیز است. به این نیروی سرگرم که سها ندهیم. با تمامی استکار خود از آن بهره گیریم. آثار به مردم بشناسانیم و به همان مردم نیز فرصت دهیم تا استعدادهای بگردست نخورده خود را به کار گیرند و دنیا را تکوفاشی از سرتاری دستاوردهای هنری، گراهی از زرفای جامعه برخاسته به ارفغان آورند.

زحمات مسئولین و گردانندگان موزه هنرهای معاصر تهران برای گردآوری این مجموعه قابل تحسین است.

افزایش مرخصی در جمهوری دموکراتیک آلمان

دولت جمهوری دموکراتیک آلمان با اجرای برنامه سیاست احتیاطی خود، در راه بهبود زندگی طبقه کارگر و همه مردم کام برمی دارد. در برنامه "حزب سوسیالیست متحد آلمان" در این باره می خوانیم:

جامعه پیشرفته سوسیالیستی به معنای آنست که سیاست اقتصادی و سیاست اجتماعی را به شکل وحدتی گسست ناپذیر پایه عمل ببیند. باید در راه افزایش تولید و کارایی آن مبارزه کرد و بدینسان شرایط کار و زندگی زحمتکشان را بهبود بخشد. یکی از اجزای سیاست احتیاطی در ده سال گذشته افزایش اوقات فراغت زحمتکشان بوده است. ده سال پیش زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان هر هفته ۲۲ ساعت در هفته کار می کردند. این رقم برای کارگران به نوبه ۲۲ بود.

به سال است که کارگران به نوبه و مادرانی که پیش از یک کودک دارند، در هفته ۴ ساعت کاری کنند.

این بیکره برای کارگران دونهای ۲۲ است و برای دیگر زحمتکشان ۲۳ باقی مانده است. ۷/۶ میلیون کارگر، کارمند و کارآموز جمهوری دموکراتیک آلمان یکسال است که سالانه حداقل سه روز بیشتر مرخصی دارند. در حدود یک میلیون تن از آنها، سالانه از پیش از سه روز مرخصی بهره مند می شوند. بیش از چهار سال ونیم است که مادران شغلی که پیش از یک فرزند دارند، نه تنها از مرخصی - شش ماهه همه مادران برخوردار می گردند - بلکه می توانند تا حداکثر یکسال در خانه بمانند و تقریباً تمام حقوق خود را دریافت دارند. بدینسان که در این مدت محل کار آنها برایشان حفظ خواهد شد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

مرگ به علت امراض قلبی و گردش خون ۲۰۲۴۰  
زندان ۳۳۴۰  
بیمارستانی ۲۲۲۷  
قتل ۶۲۸  
خودکشی ۹۲۰  
بیماری کبد ۲۹۵

## در جهان سرمایه داری

بمادهای افزایش بیکاری به مقدار یک درصد در آمریکا

کنت براون، جوان ۲۱ ساله اهل میامی، می گوید:

"از زمستان پیش تا به حال دنبال کاری گوردم و چیزی نگرم نیامده است."

دون وایزن، فولاد کار ۴۲ ساله هومستند، تابستان امسال را "بدترین تابستانی" توصیف میکند که "شهر خود دیده است. به جز بیکاری چیزی نصیب مانده است و صف ها هم مرتب طولانی تر می گردد."

از هنگامیکه دولت جان اف. کندی، چند سال پیش "جنگ تمام عیار" را علیه بیکاری اعلام کرد، شماره بیکاران در آمریکا از ۳/۹ میلیون به ۸/۲ میلیون افزایش یافته است!

بدین ترتیب، اینک ۷/۲ درصد نیروی کار در آمریکا بیکار است.

به نوشته هفته نامه "تایم"، اکثریت بیکاران را سیاهپوستان تشکیل می دهند، ولی چندی است که سهم جوانان و زنان نیز رو به افزایش است.

به گفته "تایم" ۲۵ میلیون آفریقای آمریکا و ۱۲ میلیون آمریکایی اسپانیایی الاصل در آمریکا بیکارند. "تایم" می افزاید که درصد بیکاری در میان جوانان سیاهپوست به ۳۶/۶ درصد رسیده است و افزایش می یابد.

بیش از نیمی از بیکاران در ایالات متحده آمریکا از هرگونه کمک هزینه بیکاری محرومند، اما آنهایی هم که چنین کمکی را دریافت می دارند، ترجیح می دهند که، به جای آن، کاری به آن ها داده شود.

جیمز هفرمن، کارگر بیکار آندرسون (ایندیانا) می گوید:

برای من چیزی اهانت آمیزتر از دریافت این چکها (ی کمک هزینه بیکاری) ذر هفته نیست. من به کار احتیاج دارم.

به موجب نتایج پژوهش پروفیسور م. هاروی برنز (دانشگاه جان هاپکینز)، که جندی پیش در یواس. انور اند ورلد رپورت چاپ شد، افزایش بیکاری به مقدار یک درصد، در شش سال بعد، از جمله، بمادهای زیر را دربر خواهد داشت:

## رویدادهای ایران

محاكمه فتوای بزرگ منطقه سنجایی در دادگاه انقلاب

دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه، اخیراً دست به محاكمه فتوای بزرگ منطقه سنجایی به نام های عسکریان، محمدخان، شاهسازان سنجایی و کریم - صفایی زده است.

در این محاکمات که علنی است و - عموم مردم به آنها دسترسی دارند، تا کبان بسیاری، علیرغم توطئه ها و تهدیدات و اعمال فشارهای عناصر وابسته به افراد فوق الذکر، در دادگاه شرکت و اسناد تکان دهنده ای از جنایات خانها ارائه کردند.

جواب مشخص افراد نامبرده، قتل، تجاوز به عفت، شکنجه و مرگ دهقانان در اثر بیکاری، و همکاری با رژیم شاهناتن حمل و نگهداری اسلحه غیر مجاز، ارتباط

با عوامل ضد انقلاب، خروج ارز از کشور و... ذکر شده است. شهادتین دادگاه از دادگاه خواسته اند که هرگز زش نکنند و این خیانتکاران به میهن را به سزای اعمال سنگینشان برسانند.

از اتفاقات جالب این دادگان این بود که در یکی از جلسات، وکیل متهمین از ریاست دادگاه خواست که فردی را به جایگاه شهادت فراخواند، شاهد متهمین پس از سلام و تعظیم، به هوا داری از شاهان سنجایی یکی از خوانین متهم سخن گفت. این شاهد کسی جزنا مدارخان، یکی از خان های تحت تعقیب نبود که بلافاصله توسط پاسدارهای حاضر در دادگاه دستگیر شد!



# صدای مشکوکی از «حاشیه»!

## پیام سازمان جوانان توده ایران به سازمان جوانان کمونیست شیلی بمناسبت هفته همبستگی با خلق شیلی

رفقای عزیز!

هفتسال از سقوط دولت انقلابی و قانونی جنبه متحد خلق پرست سالوادور آلنده مرگذرد. کودتای شیلی، که بادیسم-چیزانصاران آمریکایی و مستشاران سازمان سیا انجام گرفت و خوتی نظامی فاشیستی، سرگردگی پیونده جلا را بقدرت رسانده، غم و ازبجار همه نیرزهای انقلابی و ترقیخواه جهان را برانگیخت.

خوتی نظامی در کشور شما، براساس کورپشن فسادآمیزی، ضدولیکارگی و دموکراتیک خلق، رژیم ترور و اختناق را حاکم ساخت. قریب پانصد هزار سینه دوست و انقلابی در مرحله نخستین ترور آشکار در شیلی بدمتدزخیان پیونده شهادت رسیدند. انقلابیون جهان همچگاه خاطر ز تابناک شهدای اشتادیرم ساتیاگو را فراموش نخواهند کرد. خوتی نظامی - فاشیستی پیونده همه دستاوردهای مترقی و دموکراتیک راه، که مردم شیلی در دوران حکومت متحد خلق به دست آورده بودند، لگدمال کرد و در راه تشدید وابستگی شیلی به امپریالیسم جنایتکار آمریکا گام نهاد. اما خلق شیلی همچگاه در این سالهای سپاه ازیا نشست.

پیونده، که در هفت سال گذشته، برای تامین منافع چهارلگرانه اربابان آمریکایی خود، از همه جنبانی فروگذار نکرده است. در روز سالگرد پیروزی کودتای شیلی، که با ماسلاخ فرامی دوباره قانون اساسی جدید، گستاخانه ترین اطات را در حق مردم شیلی روا داشت. پیونده میگردند بکک این خیمهشبهازی سخره، چند سال دیگر که در دوران حکومت نشکین خود بیازاید و به رژیم ترور و اختناق در شیلی «قانونیت» بدهد.

رفقای عزیز!

اینک پس از هفت سال سلطه برامان ترور و ارجعاج، اخبار نوبیختنی از شیلی می رسد. واکنش اعتراض آئین مردم در برابر خیمهشبهازی همه پرس قانون اساسی، نشان میدهد که خلق شیلی چنین اطاتی را با تحکیم روزافزون اتحاد همه نیروهای ضدفاشیستی و تشدید مبارزه برای سرنگونی داروسنه خونخوار پیونده و استقرار دموکراسی در شیلی پاسخ خواهد گفت. تظاهرات و نمایشات اعتراض آئین روزهای اخیر نشان میدهد که دوران جدیدی در مبارزه خلق شیلی علیه رژیم دستشده انحصارات امپریالیستی آغاز شده است.

سازمان جوانان توده ایران، همراه با همه جوانان و مردم انقلابی ایران، که خود درگیر نیرو سرنوشتناز با امپریالیسم آمریکاهسته بادیگر همبستگی صیق و رزمجویانه خود را با مردم و جوانان شیلی، با همه نیروهای ضدفاشیستی، سینه دوست و ترقیخواه شیلی، و درونایش آنها، کویستهای شیلی، در مبارزیشان با خوتی جنایتکار حاکم شیلی ابراز میدارد.

مرگ برامپریالیسم جهانی، سرگردگی امپریالیسم آمریکا، زنده باد همبستگی بین المللی جوانان در مبارزه علیه امپریالیسم و ارجعاج!

سازمان جوانان توده ایران

## بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران

## پیام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه بمنتسب شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ایران به شما، و از طریق شما به همه اعضای حزب، درودهای گرم و رزمجویانه میفرستد.

تاسیس نخستین حزب طبقه کارگر ایران، بدون تردید، پدیدههای پس موم در تاریخ زندگی کارگران و مردم ایران بشمار میرود. کمیستهای ایران در سراسر مبارزات شکوهند خود ثابت کردهاند که وفادارترین و راسخ ترین پاسداران منافع تودههای زحمتکش آزادیو استقلال سینه خود هستند. آنها با جانبازیهای بیدریغ و ایستادگیهای قربانانه خویش در برابر خستوت و ترور دیکتاتوری، سنت انقلابی اصلی را در سینه خود ایران پایه نهادند. سنت نامرئده که جزئی گسستناپذیر از تاریخ ایران را تشکیل میدهد، همچنین یکی از سرچشمههای انقلاب پیروزنده ایران بوده است. انقلابی که نظام شاهنشاهی را سرنگون کرد، ایران را از سلطه امپریالیسم آمریکارهایی بخشید و آرای بیکی از مهم ترین سنگرهای یکار فسادآمیزی در منطقه بسط ساخت.

راز پیروزیهای حزب کمونیست ایران و ادامه دهنده راه آن، حزب توده ایران، را باید در قلبهای مشترک ما، یعنی مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروتری جستجو کرد.

رفقای عزیز!

ما این فرصت را مقتم میشریم و بنام کمیستهای سوریه و دوستان و همپانان آنها، بادیگر، همبستگی رزمجویانه خود را با یکار دشوار شما، در راه همکراری نیروهای ملی - انقلابی و دفاع از دستاوردهای انقلاب، ابراز میداریم. آزادی ما و همه نیروهای مترقی و انقلابی جهان آنست که، انقلاب ایران راه را برگرشده که دستی آرا همه آزمونهای انقلابی پیروز دوران ما بشوت رسانیم. راه اتحاد و همبستگی همه نیروهای انقلابی و فسادآمیزی در داخل و بیرون متقابل آنها با دوستان انقلاب ایران و همپانان راستین طیبی آن در پهنه خارجه، بویژه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، در پایان، بادیگر پیروزی شما را در مبارزه برای پیشبرد منافع مردم ایران خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه

با اینکه حزب توده ایران پیگیرترین انشاءکننده توطئه جدید آمریکا در منطقه بود، نیرزهای دیگر طرفدار انقلاب ایران هم به افشای این توطئه پرداختند. از جمله روزنامه جمهوری اسلامی چنین اعلام کرد: «بدنبال اوج گیری مبارزات اسلامی در ترکیه، سازمان جلسوسی آمریکا با يك کودتای نظامی دولت این کشور را از کار برکنار کرد و قدرت را بمنت نظامیان داده (۲۳ شهریور ۵۹) روزنامه های دیگر از جمله المارات و دیگر نیرزهای انقلابی هم این نقش خائنه آمریکا را فاش کردند.

برخورد دیگر از جانب پیروان خط پرزینسکی بود، که طبق وظیفه، تمام نیروی خود را بیکار انداختند تا آمریکا را از زیر غریبه خارج کنند.

همیزان، ارگان لیرالهای پیرو خط پرزینسکی در ایران، اول از همه پیشقدم شد و ضمن صاحبیه با سفیر کودتاگران ترکیه در ایران، در شماره ۷ خود نوشت:

«میراغ سیزی که روسیه با اشغال نظامی افغانستان به آمریکا نشان داد، اکنون نتیجه اش ظاهر شده.

بدنبال این روزنامه، آقای دکتر ابراهیم یزدی هم، که در مذاکره معروف برای «میزان» کردن خط انقلاب ایران با خط پرزینسکی شرکت داشت، به میدان آمد و مین این حرفها را در شماره های ۲۳، ۲۴، ۲۵ شهریور روزنامه کیهان تکرار کرد.

در دنبال این دو روزنامه، گروهک مائوتیستی سارمیکائی در بیهران؟ هم به میدان آمد و همین لافلاطات را با صراحت و وقاحت ویژه خود اعلام داشت.

اما با کمال تأسف و تعجب صدای مشکوکی هم از «حاشیه» روزنامه جمهوری اسلامی شنیده شد. «حاشیه نویس»، که انگار اصلا روزنامه خودشان را نمخواند، اما همه نوشته ها و خط مشی «نیر» را فوت آب است، برای چندمین بار در روزهای اخیر علیه حزب ما به میدان آمد. «حاشیه نویس» قسمت آخر سناریو را تکمیل کرد و «نیر» برانده کرد که حزب توده ایران بدنبال سازش روسیه (!) و آمریکا بر سر کودتا در ترکیه - به انبار «ارباب» و به شیوه مشتر دیدنی ندیدی عمل کرده و کودتای ترکیه را فقط مشکوکه اعلام کرده است.

چنین گستاخانه دروغ گفتن و اتهامزدن فقط دو پایه میتواند داشته باشد: یا «حاشیه نویس» مقاله بی دردی نامت «مردم» را نفخاوه و چنین دروغ گفته و اتهام زده است، و یا خواننده، ولی به سبک فاشر دیدنی ندیدی، که ناچوازمردانه با ما نسبت داده - عمل کرده و دروغ گفته و اتهام زده است که در عمل بین این دو تفاوت زیادی نیست.

سوال ساده ما اینست که چرا چرا بضربردوغ و اتهام، کوشش میشود که خط پرزینسکی پیاده شود؟ چرا «حاشیه نویس» بجای اینکه از منی روزنامه خودش پیروی کند، دنباله روی پیروان خط پرزینسکی در «میزان» و «کیهان» و «نیر» شده است؟

آیا مسئولان روزنامه جمهوری اسلامی متوجه هستند که چطور از «حاشیه» برخلاف «منی» روزنامه شان، موش میبازند و دست در دست لیرالهای پیرو خط پرزینسکی، میکوشند آمریکا را از زیر غریبه خارج کنند؟

آمریکا در ترکیه کودتا کرد. با این واقعیت آشکار دو برخورد شد: نیرزهای طرفدار انقلاب ایران، ماهیت آن را فاش کردند. از جمله حزب توده ایران در افشای این توطئه در ارگان خود نوشت:

«کودتای نظامی در ترکیه، که آشکارا هدف تحکیم سیلات و سطره آمریکا را بر این کشور تعقیب میکند...» (نامه مردم - ۲۳ شهریور ۵۹)

نامه مردم، افزود:

«کودتاگران نظامی ترکیه نمیگوشند تا با سربزیه صدای مردم سینه دوست و ازادخواه ترکیه را علیه غارتگریها و پیدادگریهای امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم آمریکا، و سرمایه داران و زمین داران بزرگ خنه سازند» (حاشیه)

نامه مردم، اربط این کودتای نشکین آمریکائی را با سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چنین فاش کرد:

«کودتای نظامی آمریکائی همچنین در شرایطی روی داد که امپریالیسم آمریکا برای وارد آوردن غریبه قلمی و مهلك بر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کلیه قوای خود را بسیج کرده است و حلقه معصره خود را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، پیوسته تنگتر و محکمتر میسازد. ترکیه نیز از جمله قطار است که امپریالیسم آمریکا به آن و پایتختی نظامی آن، هواره چون «تخته پرش» مناسبعلیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متکریست و برشک در توطئه گستردهای که علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تدارک میبشود، جای مناسبی نیز به ترکیه اختصاص داده است.» (حاشیه)

نامه مردم در مقاله دیگری نوشت:

«هدف آمریکا از سازمان دادن کودتای ترکیه علاوه بر سرگوب جنبش رهازیونی و استقلال طلبانه مردم ترکیه و تحمیل یک دیکتاتوری قلمی فاشیستی بر آنها، ایجاد کانون خطرناک جدید تشنجات جنگله طلبانه و مرکز فساد توطئه و مداخله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران است» (۲۴ شهریور ۵۹)

روز بعد، یعنی ۲۵ شهریور ۵۹، نامه مردم، در سومین مقاله بی دردی خود درباره کودتای آمریکائی ترکیه، این نتیجه را گرفت:

«کودتاهای سیا، پرونده، چنانکه تجربه ایران نیز نشان داد، کلاسی است بر سرانجام برای بزور رفت از بیغرائی عمیق و همه جانیه و جلوگیری از پیروزی محتوم خلقها.

این پیگیری در افشای امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم آمریکا، که البته چیزی جز وظیفه حزب طبقه کارگر ایران نیست، ادامه یافت و نامه مردم، روز ۲۶ شهریور ۵۹، در چهارمین مقاله بی دردی خود درباره کودتای آمریکائی ترکیه، تحت عنوان «ترال ضیاعالحق به هفتادگان آمریکائی خود در ترکیه نسبت میگوید، از جمله نوشت:

«کودتای نظامی آمریکائی در ترکیه به ترال ضیاعالحق روحیه میدهد و اورا به تقویت مواضع رژیم ضد خلقی و دیکتاتوری خود امیدوار میسازد.» افشاکاری ادامه یافت و نامه مردم، در پنجمین مقاله بی دردی خود درباره کودتای آمریکائی ترکیه نوشت:

«بدون کمترین تردید باید بگوئیم که، یکی از عمده ترین هدفهای سیاسی - نظامی آمریکا از بره انفاخن کودتا در ترکیه، تکمیل مقدمات برای توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران است.» (۲۷ شهریور - صفحه اول)

## «تعدیل ثروت» به چه معناست و چگونه باید انجام گیرد؟

تعدیل ثروت، یا بعبارت دقیقتر، تقسیم محصول کلی تولید اجتماعی کشور بین اعضای جامعه متناسب با زحمتی که کشیده اند، یکی از مسائل مهم بنیادی است که از نخستین روزها در برابر انقلاب شکوهند ایران قرار داشته است. نابرابری فاشخو هم توازن خیرقابل محمل در تقسیم ثروتهای مادی و معنوی جامعه بین طبقات زحمتکش اشتار تونده (سنتفان) و طبقات استشارگر (سنتگران)، که از رژیم طاغوت دستشده امپریالیسم به ارن پایمانده است، باید از بین برده شود.

در جامعه متحول جمهوری اسلامی ایران اکنون کترکسی است که به ضرورت توزیع عادلانه ثروتهای مادی و معنوی بین اعضای جامعه مستد نباشد. بحث و گفتگوها بطور کلی پیرامون طریقه از بین بردن این نابرابری فاشخ، در اطران راه متخص توزیع عادلانه ثروت دور میزند. از آرو که شیوه و میزان تقسیم ثروت (یعنی دستورد کل تولیدات اجتماعی) در جوامع مختلف مستقیما به شکلهای مختلف مالکیت در آن جوامع وابسته است، لذا برای حل بنیادی مشکل تعدیل ثروت نیز باید از حل مسئله اساسی مالکیت آغاز کرد.

آقای رجائی نخست وزیر، در اولین

بخش اصلی دولتی، تعاونی و خصوصی در نظر گرفته شده است. در اصول مختلفه قانون اساسی (بویژه اصول ۴۴ تا ۵۰) میزان و معیار این بخش ها و طرق لازم جهت تعدیل ثروت بطور کلی پیش بینی شده است. شکل، میزان و حدود مالکیت و بهره برداری در هر سه بخش نامبرده، بویژه در بخش خصوصی، محتاج به قوانین و مقررات تفصیلی است.

اکنون وظیفه دولت جمهوری اسلامی و مجلس شورای اسلامی ایران است، که قوانین و مقررات تفصیلی جهت پیاده کردن اصول متخص قانون اساسی در عمل را تدوین و تصویب کنند و اجرای درست و بموقع آنها را تحت نظارت دقیق قرار دهند.

حل بنیادی مسئله تعدیل ثروت تنها در پیوستگی و هم آهنکی با کل نظام اقتصادی کشور، در رابطه با بخش های عمده آن یعنی: صنایع (با لنو کردن سرمایه داری وابسته ملی کردن صنایع سنگین و مادر، در سموت اول) کشاورزی و دامداری (با خلعید از مالکان بزرگ، خانیا و قنودالیا) بازرگانی داخل و خارجه (با ملر کردن تجارت خارجه در

### برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



### مهماتی در «خط پروژینسکی»

روزنامه کیهان، شماره ۲۹ شهریور ۵۹، در صفحه اول خود زیر عنوان «توطئه حمله به ایران: طرحی برای نیابت هارز» نوشته است:

«تورویا هم میخواهند بوسیله حزب توده ایران کوشش کنند تا استانی شمالی ایران را کنترل نمایند و موضوع را به تقسیم ایران به شمال و جنوبخانه دهنده. قاعدتا گردانندگان کیهان بسا اجازه میدهند که غرض از این مهمل را فاش کنیم. زیرا نقطه ضعف شوروی، بلکه حزب توده ایران نیز هدف تیر تپت قرار گرفته است.

گردانندگان کیهان این مهمل را از مقاله جک اندرسون، روزنامه نگار آمریکائی، که ترجمه آن یک صفحه تمام کیهان را اشغال نموده «بهرتخراب» کرده و به صفحه اول منتقل ساخته اند. در آن صفحه ای که ترجمه مقاله درج شده، گردانندگان کیهان از فرضیات مفرطانه ای که روزنامه نگار آمریکائی به نقل از مهملات مفسران آمریکائی درباره زویندهای خیالی «کریلین» بسا آمریکا آورده، این مهمل مفرطانه را برجسته کرده اند که «بنابراین بسا احتمالاً کارتر کرملین را از نقشه حمله ماه اکتبر خود (بایران) باخبر کرده و حتی در این مورد شورویا به همکاری پشتمرده نظامی با آمریکا تمایل دارند و باز مهمل نخستین صفحه خود را تکرار کرده که «شورویا هم میخواهند بوسیله حزب توده...» الا آخر.

البته به مفسران آمریکائی، که هر روز و هر ساعت احتمالات از سرانگشت خود برای تلقین سازش در ابر قدرت می کنند، اسیرادی نیست. آنها وظیفه و مأموریت خود را انجام میدهند. ولی روش گردانندگان کیهان با علم بدستور مریخ و افتاء شده کارفریزینسکی، جو سوه - طنز» را نسبت به اتحاد شوروی دامن میزنند، نمیتوان در صداقت آنها نسبت به انقلاب ایران دچار تردید شد.

بدستور مریخ و افتاء شده کارفریزینسکی اینست که: «باید جو سوه طنز» نسبت به اتحاد شوروی ایجاد کرد و از آن در جهت ترمساختن روابط جمهوری اسلامی ایران بسا اتحاد شوروی بهره برداری کرد. زیرا «بسیه ریسی جمهور (کارتر) پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصا توسط اتحاد شوروی حتی به تصفیه مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد» و در نتیجه جمهوری اسلامی ایران

در روز و هر ساعت احتمالات از سرانگشت خود برای تلقین سازش در ابر قدرت می کنند، اسیرادی نیست. آنها وظیفه و مأموریت خود را انجام میدهند. ولی روش گردانندگان کیهان با علم بدستور مریخ و افتاء شده کارفریزینسکی، جو سوه - طنز» را نسبت به اتحاد شوروی دامن میزنند، نمیتوان در صداقت آنها نسبت به انقلاب ایران دچار تردید شد.

بدستور مریخ و افتاء شده کارفریزینسکی اینست که: «باید جو سوه طنز» نسبت به اتحاد شوروی ایجاد کرد و از آن در جهت ترمساختن روابط جمهوری اسلامی ایران بسا اتحاد شوروی بهره برداری کرد. زیرا «بسیه ریسی جمهور (کارتر) پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصا توسط اتحاد شوروی حتی به تصفیه مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد» و در نتیجه جمهوری اسلامی ایران

**فصلنامه مردم**  
انگن مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دستر نامه مردم)  
هنوز در اختیار  
نامه «مردم» نیست

**NAMEH MARDOM**  
No. 339  
28 September 1980

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

### اعلامیه شماره ۷ | استاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

سناد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران طی اعلامیه شماره ۱۷ خود کلیه مرزهای آبی نزدیک سواحل ایران را منطقه جنگی اعلام کرده در این اعلامیه آمده است:

باتوجه به تجاوزات مرزی عراق کلیه مرزهای آبی نزدیک سواحل ایران منطقه جنگی اعلام گردید، ایران اجازه حمل کلا به بنادر عراق را به هیچ کشتی عراق نخواهد داد و نیز برای امنیت کشتیرانی در خلیج فارس اعلام میدارد صبر تعیین شده بدین

### پیام کانون... بقیه از صفحه ۱

کانون دانش آموزان ایران برای شما در سال تحصیلی جدید، سالی فعال، پر بار و سازنده آرزو میکند.

دانش آموزان عزیز! سال تحصیلی جدید را در شرایطی آغاز میکنیم که توطئه های امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ضدانقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران شدت یافته است. لذا در چنین شرایط حساسی از اوضاع سیاسی کنونی که وظایف بسیار مهمی بر عهده دانش آموزان این آینده سازان است، سخن ما، محور میشود.

در سال تحصیلی جدید، مهم ترین وظیفه شما، همانا مبارزه قاطع با این توطئه ها و وسیه ها در سطح جامعه و بخصوص در مدارس خواهد بود.

در هدایت و رهتوشدن راستین مبارزات دانش آموزی متحصلا عمل کنید و با تشخیص وظیفه عمده که همانا مبارزه علیه امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ضدانقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران است، در دام توطئه های رنگارنگ ضد انقلاب قرار نگیرید!

مدارس را همچون سنگریزه دفاع از انقلاب حفظ کنید و تکذارید تا عناصر ضدانقلابی و گروه های چپ و راست افراطی، آنها را به کانون های تشنج و آشوب تبدیل کند و آرایش محیط های آموزشی را برهم زنند.

دانش آموزان عزیز! فراموش نکنید که در کنار پاسداری از انقلاب و شرکت فعال در کلاسهای آموزش نظامی، وظایف بسیار دیگری نیز بر عهده دارید:

شما باید با تلاش و پیگیری به یادگیری علوم و دانش زمان خود بپردازید و در راه ساختن ایران انقلابی خود را به انواع سلاح های دانش و فن مجهز نمایید.

شما باید در سال تحصیلی جدید، پاسرگت فعال خود در شورا های مدارس، با یاری مصلحان و دبیران و مدیران مدارس، در جهت رفع بسیاری از مشکلات و نارسایی های آموزش بکوشید!

شما باید در دفاع از حقوق مسلم صفتی و سیاسی خود، به تشکیل اتحادیه سراسری دانش آموزان در مدارس کوشش کنید!

شما باید به منظور وحدت و یکپارچگی و همکاری های بیشتر میان دانش آموزان در کالیتهای فوق برنامه (تشکیل کتابخانه، تعارفی، امور پرورشی، امور فرهنگی و...) فعالیتها را بیشتر و در گسترش این فعالیتها از مسئولان مدارس یاری بگیرید.

مدرسین گرام!

آموزش و پرورش هم آنگ با جامعه انقلابی، میتواند در به ثمر رساندن انقلاب و تحقق و گسترش آن نقش بسیار ارزنده ای ایفا کند، و این امر بیست، مگر با زودن فرهنگ و استعماری و فرهنگ سرمایه داری نوع آمریکائی از تمام شئون کنونی

تجربه سال گذشته به خوبی نشان داد که مشورت با دانش آموزان و مصلحان اولیاء آنها در برخی از مسائل، جلوی بسیاری از تصمیمات نادرست را خواهد گرفت.

حق تحصیل به زبان مادری برای خلق های ایران، یکی از خواست های دیرینه این مردم است. لذا آموزش و پرورش باید با تأمین این خواست به حق دانش آموزان کرده، آذربایجانی، بلوچ، عربزبان خوزستان و سراسری، سیستم فرهنگ ملی در این مناطق، به یکی از ضروری ترین اساسی ترین حقوق این فرزندان راستین انقلاب جامه عمل بپوشاند.

با گذاشتن کلاس های آموزش نظامی، دانش آموزان را برای مقابله با دشمنان انقلاب آماده گردانید!

سال تحصیلی جدید، مدارس و آموزشگاهها باید سنگر های پرشور و تحرک باشند در دفاع از انقلاب و علیه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلی.

هر چه گسترده تر یاد بپوشد جنبش دانش آموزی با جنبش ضد امپریالیستی خلق به رهبری امام

### اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

توطئه خیانتکارانه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نقش نیروی ضربه ای را بر عهده گرفته است. هموطنان! جزایر پانگنی و اتحاد تمام نیروهای خلقی شما - توان از عهده رویارویی با توطئه ها و وسیه های رنگارنگ امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور پشی عراق و همه دشمنان داخلی و خارجی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برنگ.

حزب توده ایران در تمام دوران فعالیت خویش ستادی اتحاد بین توده های وسیع خلق بوده است. امروز نیز حزب ما با درک مسئولیت تاریخی خود در قبال مردم و سپین و انقلاب، پاردمگر تمام خلق و همه نیروهای انقلابی را به اتحاد و یگانگی و وحدت عمل زیر پرچم انقلاب، پر رهبری امام خمینی دعوت میکند. فرزندان حزب ما در هر جا هستند، باید کوشش در راه تأمین این اتحاد را یکی از بزرگترین وظایف حزبی خود بدانند. ضدانقلاب تفرقه می افکند و اعضای حزب ما باید وحدت آفرین باشند، حزب ما اکنون برای خود وظیفه ای مقدس را از دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نمی شناسد، و اینک که رژیم مزدور پشی عراق در چهارچوب توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا تجاوز هگانی خود را علیه سپین ما آغاز کرده است، انجام این وظیفه جز از راه همکاری با سایر نیروهای انقلابی و در راس آنها نهادهای برخاسته از انقلاب میسر نیست. حزب توده ایران از اعضای خود میخواهد که:

- آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز نظامی رژیم مزدور پشی عراق و توطئه براندازی آمریکا به نهادهای انقلابی اعلام کنند.

- برای همکاری با سپاه پاسداران انقلاب، در چهارچوب وظایفی که فرمانده سپاه در هر محل بر حسب ضرورت های دفاعی و نظامی تعیین میکند، آماده باشند، و هماموریتی را که در این زمینه به آنها واگذار میشود، اجرا نمایند.

- عوامل ضدانقلاب را در هر جا شناسایی کنند و به مراجع و نهادهای انقلابی اطلاع دهند.

- حوادث را با هوشتیاری انقلابی دنبال کنند و برای خفه کردن هر اقدام ضدانقلابی در نطفه با سپاه پاسداران و سایر نهادهای انقلابی همکاری کنند.

- آمادگی خود را برای شرکت در ارتش ۲۰ میلیونی به مقامات ذیربط اعلام کنند.

- دختران و زنان طرز مواظبت از بیماران، پانسمان، تزریق و کمکی های اولیه را بیاموزند.

- در نگاهبانی از انبارها و مخازن و لوله های آب و نفت و سایر موسسات حیاتی بر حسب تقاضای فرمانده سپاه پاسداران محل شرکت کنند.

اجرای این وظایف جزئی از مهم ترین وظایف حزب ما در زمینه دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی مردمی و آزادی بخش ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران است.

هموطنان! ما تصمیم قاطع داریم که دوش بدوش همه نیروهای انقلابی، همه مردم مهربان دوست و مبارز ایران برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز رژیم مزدور پشی عراق و توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا بچنگیم و ایران را به گورستان ضدانقلاب تبدیل نکنیم و خواهیم کرد.

رفقا، هواداران و دوستان حزب ما در هر جا هستید، با درک عظمت و حساسیت این لحظه تاریخی هر حیات مردم ما و تمام خلق های منطقه، چنانکه سنت شایسته شجاعت، آماده فداکاری و جانپنازی در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشید.

مرکز پر رهبری امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا! پیروز باد انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران پر رهبری امام خمینی!

زیر رهبری امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در برابر تجاوز رژیم مزدور پشی عراق و توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا، به پیش!

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۹/۲۱

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۹/۲۱

### رئیس جمهوری

بقیه از صفحه ۱

دکار آنها جزئی از یک توطئه گسترده بر ضد جمهوری ماست. رژیم پشی یا رنگ انقلابی ولی ددواقع همسنان دستیار آمریکای سلطه گر، تجاوزی را به خاک ما آغاز کرد، و امروز بدان ایام تلازمی بنشیند است. صدام حسین امروز کوشید که بعنوان مقلد موشه دایان فرودگاه های ما را مورد حمله قرار دهد.

«آب» به فرودگاه های ما حمله کرده، به گمان اینکه ما خالییم و آنها میتوانند همان بلای که ارتش موشه دایان، نیروی حواس اسرائیل مکمل سپاه بر سر فرودگاه های مصر آورده بر سر فرودگاه های ما بپوشد.

اهداد تجاوز آمریکا از طریق رژیم پشی عراق گسترده تر میشود و بدین است که ما باید هم از انقلابیان و هم از سپین اسلامان با تمام قدرت دفاع کنیم. ما هر آنچه بهما تعلیم گردانده اند، بپوشانیم اما اینک زمان آنست که دهستان ما، ما را استوار، نشود و توانا بپایند.

رئیس جمهور در پایان خطاب به نیروهای مسلح گفت:

«بیر تزلزل و بدون دغدغه خاطر از جمهوری اسلامی و سپین اسلامی خود دفاع بکنید. این دفاع باید با چنان قاطعیتی انجام بگیرد که برای همیشه فکر توطئه گر قدرتمند خارجی را از توطئه درباره سرنوشت ایران منصرف سازد.»

هر چه گسترده تر یاد بپوشد جنبش دانش آموزی با جنبش ضد امپریالیستی خلق به رهبری امام